

## ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ (آن همان خداوند است.)

أَنْظُرُ	لِتِلْكَ	الشَّجَرَه	ذَاتِ	النَّصُونِ	النَّصْرَه
بنگر	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه

به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	صَارَتْ	شَجَرَه
چگونه	رشد کرد	از	دانه	شد	درخت

چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه یک درخت شد؟

فَابْحَثْ	وَ	قُلْ	مَنْ	ذَا	الَّذِي
پس جست‌وجو کن	و	بگو	کیست	این	کسی که

پس جست‌وجو کن و بگو این کیست که از آن (درخت) میوه را درمی‌آورد؟

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَدَوْتَهَا	مُسْتَعْرَه
و بنگر	به	خورشید	کسی که	پارهٔ آتش آن	فروزان

و به خورشیدی که پارهٔ آتش آن فروزان است، بنگر.

فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	حَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَه
در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش شونده

در آن (خورشید) روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش شونده هست.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوِّ
کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	آسمان

این کیست که آن (خورشید) را همانند پارهٔ آتش در آسمان پدید آورد؟

ذَٰلِكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مُنْهَمِرَه
آن	او	خدا	کسی که	نعمت‌هایش	ریزان

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو	حِكْمَةٍ	وَ	بِالْقَدْرِ	مُقْتَدِرَه
صاحب	دانش	و	کامل	نیرومند

(خداوند) صاحب دانشی کامل و توانایی نیرومندی است.

أَنْظُرْ	إِلَى	اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ
بنگر	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن

به شب بنگر پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

وَ	زَانَةٌ	بِالنَّجْمِ	كَالذَّرِّ	الْمُنْتَشِرَه
و	زینت داد آن را	با ستاره‌ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت داد.

وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ
و بنگر	به	ابر	پس چه کسی	فرو فرستاد	از آن

و به ابر بنگر پس چه کسی از آن باران را فرو فرستاد؟

فَصَيَّرَ	الْأَرْضَ	بِهِ	بَعْدَ	اغْبِرَارِ	خَصِرَه
پس گردانید	زمین	با آن	بعد	غبار آلودگی	سرسبز

پس زمین را با آن (باران) بعد از غبارآلودگی سرسبز گردانید.

وَأَنْظُرُ	إِلَى	الْمَرْءِ	وَ	قُلْ
و بنگر	به	انسان	و	بگو
مَنْ	شَقَى	فِيهِ	بَصَرَهُ	
کيست	شکافت	در او	دیده	

و به انسان بنگر و بگو چه کسی در او دیده (بینایی) را شکافت.

مَنْ	ذَا	الَّذِي	جَهَّزَهُ
کيست	این	کسی که	مجهز کرد او را
مُنْتَكِرِهِ	أَنْعَمَهُ		
اندیشمند	به نیرویی		

این کیست که او را (انسان) به نیرویی اندیشمند مجهز کرد.

ذَلِكَ	هُوَ	اللَّهِ	الَّذِي
آن	او	خدا	که
مَنْهَمِرِهِ	أَنْعَمَهُ		
ریزان	نعمت‌هایش		

آن، همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

## واژگان

قُلْ: بگو	دَرَر: مرواریدها (مفرد: دَرَّة)	آخِر، أُخْرَى: دیگر
كَمَّلَ: کامل کرد (ماضی: كَمَّلَ / مضارع: يَكْمَلُ / مصدر: تكمیل)	ذَا: این ← هَذَا	إِغْبِرَار: تیره‌رنگی، غبارآلودگی
مُسْتَعِرَة: فروزان	ذات: دارای	أَنْ ...: که، این که ...
مُسْتَعِين: یاری جوینده (مُسْتَعِينًا بِ: با کمک)	ذَلِكَ: آن	أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم
مَطَار: فرودگاه	زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ)	إِنْتَظِرَ: منتظر شد (مضارع: يَنْتَظِرُ / مصدر: إنتظار)
مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه	شَرَرَة: اخگر (پاره آتش، زبانه آتش)	إِنْتَفَعَ: سود برد (مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: إنتفاع)
مُفْتَكِر، مُفْتَكِرَة: اندیشمند	شَقَى: شکافت (مضارع: يَشُقُّ)	أَنْجَم: ستارگان (مفرد: نَجْم)
مَنْ ذَا: این کیست؟	صَارَ: شد (مضارع: يَصِيرُ)	أَنْزَلَ: نازل کرد (مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: إنزال)
مَنْهَمِرَة: ریزان	صَيَّرَ: گردانید (مضارع: يُصَيِّرُ)	أَنْعَمَ: نعمت‌ها (مفرد: نِعْمَة)
نَاسِبَ: مناسب شد (مضارع: يُنَاسِبُ / مصدر: مناسبت)	صَعَّ: بگذار (وَصَعَّ: گذاشت)	أَوْجَدَ: پدید آورد (مضارع: يُوجِدُ / مصدر: إيجاد)
مُنَاسِبَة: مناسبه	ضِيَاء: روشنایی	بَالِغَ: کامل
نَجْم: ستاره	عَدُوّ: دشمن	تَرَجَّمَ: ترجمه کن (ماضی: تَرَجَّمَ / مضارع: يَتَرَجَّمُ / مصدر: ترجمه)
نُصْرَة: تر و تازه	عَيَّنَ: مشخص کرد (مضارع: يُعَيِّنُ / مصدر: تعیین)	تَعَارَفَ: آشنایی با همدیگر
نِعْمَة: نعمت (جمع: أَنْعَم و نِعَم)	عُصُون: شاخه‌ها (مفرد: عُصْن)	تَعَارَفُوا: همدیگر را شناختند (مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تعارف)
نَفَع: سود رساند	عَمِيم: ابر (مترادف: سَحَاب)	جَدَوَة: پاره آتش
نَمَا: رشد کرد (مضارع: يَنْمُو)	فَرَاغَ: جای خالی	جَهَّزَ: مجهز کرد (مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تجهيز)
يُخْرِجُ: درمی‌آورد	قَاعَة: سالن	دَاَرَ: چرخید (مضارع: يَدُورُ / می‌چرخد)
	قَتَلَ: کشت (مضارع: يَقْتُلُ / مصدر: قتل)	

عَدْوَان = عَدَاوَة	شَرَرَة = جَدَوَة	رَقْد = نَام	عَمِيم = سَحَاب	ضِيَاء = نَوْر
دشمنی	پاره آتش، زبانه آتش	خوابید	ابر	روشنایی
حَبِيب = صَدِيق	مُجْتَبِه = مَجِد	نَاجِح = مَوْقِف، فَائِز	صَرَر = حِسَارَة، حُسْرَان	الثَّمَر = الفَاكِهَة
دوست	کوشا، تلاشگر	موفق، قبول شده، پیروز	ضرر، زیان	میوه
لِسَان = لُغَة	الْمَرْء = الْإِنْسَان	بَصَر = عَيْن	هَلَك = مَات	
زبان	شخص، انسان	دیده، چشم	هلاک شد، مُرد	

مترادف

زَرَعٌ ≠ حَصَدٌ کاشت ≠ برداشت کرد	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ دور ≠ نزدیک	بِدَايَةٌ ≠ نِهَابَةٌ آغاز ≠ پایان	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ فروش ≠ خرید	أَرَادِلٌ ≠ أَفْضِلٌ افراد پست، فرومایگان ≠ افراد برتر، شایستگان	متضاد
صَبَاحٌ ≠ مَسَاءٌ صبح ≠ عصر	قَصِيرٌ ≠ طَوِيلٌ کوتاه ≠ بلند	رَخِيصٌ ≠ غَالِيَةٌ ارزان ≠ گران	لَا تَدْخُلُوا ≠ لَا تَخْرُجُوا داخل نشوید ≠ خارج نشوید	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ غمگین ≠ خوشحال	
رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ، فَائِزٌ مردود ≠ قبول، برنده	لَيْلٌ ≠ نَهَارٌ شب ≠ روز	قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ کم، اندک ≠ زیاد	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ زشت ≠ زیبا	ضِيَاءٌ ≠ ظَلَمَةٌ روشنایی ≠ تاریکی	
صِدْقٌ ≠ كَذِبٌ راستی ≠ دروغ	حَبِيبٌ ≠ عَدُوٌّ دوست ≠ دشمن	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ غیرمجاز ≠ مجاز	يَنْفَعُ ≠ يَضُرُّ سود می‌رساند ≠ ضرر می‌رساند	يَيْسٌ ≠ رَجَا نامید شد ≠ امیدوار شد	
			يَعِيشُ ≠ يَمُوتُ زندگی می‌کند ≠ می‌میرد	عَدَاً ≠ أَمْسٌ فردا ≠ دیروز	
فُصُولٌ ← فَصْلٌ فصل	أَنْجُمٌ، نُجُومٌ ← نَجْمٌ ستاره	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلٌ فرد برتر	أَرَادِلٌ ← أَرْدَلٌ فرد پست‌تر	أَحْجَارٌ ← حَجَرٌ سنگ	جمع مکسر
أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود، نفس	عُصُونٌ، أَغْصَانٌ ← عُصْنٌ شاخه	دُورٌ ← دَرٌّ مرورید	أَلْوَانٌ ← لَوْنٌ رنگ	أَنْعَمٌ، نِعْمٌ ← نِعْمَةٌ نعمت	
عَقَارِبٌ ← عَقْرِبَةٌ عقربه	أَصْدِقَاءٌ ← صَدِيقٌ دوست	أَيَّامٌ ← يَوْمٌ روز	أَعْدَادٌ ← عِدْدٌ عدد	أَبْوَابٌ ← بَابٌ در	
		أَدَلَّةٌ ← دَلِيلٌ راهنما	أَرَاضِيٌ ← أَرْضٌ زمین	جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	

## قواعد

### مروری بر قواعد دوره اول متوسطه

دوست عزیز، ابتدا نگاهی به مطالب سال‌های گذشته می‌اندازیم، چون تمرین‌های درس اول برای یادآوری همان مطالب است.

✱ حرکات در زبان عربی: فتحه (ـَ) و تنوین آن (ـِ) / کسره (ـِ) و تنوین آن (ـِ) / ضمه (ـُ) و تنوین آن (ـُ) / ساکن (ـْ)

- ۱- اسم
- ۲- فعل
- ۳- حرف

### اسم

داشتن «أل» یا «تنوین سئ»	مثال الْمَعْلَمُ / الْمُعَلِّمُ، التَّلْمِيذُ / التَّلْمِيذُ، الطَّالِبُ / طَالِبٌ
مضاف یا مضاف‌الیه بودن	مثال كِتَابُ التَّلْمِيذِ / كِتَابُ تَلْمِيذٍ
ساکن بودن حرف دوم در کلمات سه حرفی	مثال حَمْدٌ، بَعْدٌ و ...

باید بدانیم که ضمائر «هو...»، «ها...»، «هذه...»، «این...»، «کیف...»، «و کلماتی مانند «الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ، اللَّاتِي، ...» جزو اسم‌ها هستند.

اسمی که در جانداران بر جنس تر دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد. مثال عَلِيٌّ، التَّلْمِيذُ، كِتَابٌ و ...	مذکر	اسم از نظر جنس
اسمی که در جانداران بر جنس ماده دلالت دارد یا می‌تواند بی‌جان باشد؛ علامت «ة / ة» داشته باشد. مثال الطَّالِبَةُ، الْمُعَلِّمَةُ، الشَّجَرَةُ، یا بدون علامت باشد. مثال الأُمُّ (مادر)، الأُخْتُ (خواهر)، الأَبْنَتُ (دختر)	مؤنث	

اسم از نظر تعداد	مفرد: یک چیز یا یک شخص	بدون علامت	<b>مثال</b> کتاب: یک کتاب طالب / طالبة: یک دانش آموز پسر / یک دانش آموز دختر
	مثنی: دو چیز یا دو شخص	علامت (ان / ین)	کتاب + ان / ین: کتابان / کتابین: دو کتاب طالب + ان / ین: طالبان / طالبین: دو دانش آموز (دانش آموزان) پسر طالبة + ان / ین: طالبتان / طالبتین: دو دانش آموز (دانش آموزان) دختر
	جمع: بیش از دو چیز یا دو شخص	جمع مذکر سالم جمع مؤنث سالم بدون علامت و سماعی (شنیدنی)	طالب + ون / ین: طالبون / طالبین: چند دانش آموز (دانش آموزان) پسر مَجَلَّة + ات: مَجَلَّات: چند مجله (مجله‌ها) طالبة + ات: طالبات: چند دانش آموز (دانش آموزان) دختر طالب: طلاب - مدرسة: مدارس - کتاب: کُتُب

### ویژه علاقمندان

آیا می‌دانید؟:

- \* شمس (خورشید)، ارض (زمین)، ریح (باد)، نار (آتش)، حُرْب (جنگ)، نَفْس (جان) و ... مؤنث‌اند.
- \* اسم شهرها «مشهد، اصفهان، ...» و کشورها «ایران، لبنان، ...» مؤنث هستند.
- \* مصدرهای بیش از سه حرف با «ات» جمع بسته می‌شوند. **مثال** إِمْتِحَان: إِمْتِحَانَات / تَوَجَّه: تَوَجَّهَات
- \* جمع‌های مَكْسَّر، علامت خاصی ندارند و با شکستن و تغییر شکل مفرد بعضی از اسم‌ها ساخته می‌شوند، به خاطر همین به جمع‌های دیگر، سالم می‌گویند؛ چون با برداشتن علامت از آخرشان، مفرد آن‌ها سالم می‌ماند. چند وزن مانند «مَفَاعِل، مَفَاعِل، أفعال، فَعَال، فَعْلَاء و ...» وجود دارند که بسیاری از جمع‌های مَكْسَّر بر وزن آن‌ها ساخته می‌شوند. **مثال** مَكْتَب: مَكَاتِب / مِصْبَاح: مِصَابِيح / عَمَل: أَعْمَال / جَبَل: جِبَال / عَاقِل: عَقَلَاء و ...
- \* برخی از اسم‌های جمع مَكْسَّر مانند «قَوَانِین، شَیَاطِین، مَجَانِین، ...» را با جمع مذکر سالم اشتباه نگیرید. مفرد آن‌ها به ترتیب «قانون، شیطان، مَجْنُون، ...» هستند.
- \* برخی از اسم‌های جمع مَكْسَّر مانند «أَصْوَات، أوقات، ...» را با جمع مؤنث سالم اشتباه نگیرید. مفرد آن‌ها «صوت، وقت، ...» هستند.
- \* برخی از اسم‌های مفرد مانند «سَلْمَان، شَعْبَان، رَمَضَان، شَیْطَان، عُمَان، ...» و جمع مَكْسَّر «إِخْوَان ← مفرد ← أَح» را با اسم مثنی اشتباه نگیرید.
- \* در اسم‌های مثنی با برداشتن علامت «ان»، مفرد اسم باقی می‌ماند. کاتِبان ← کاتِب

### اسم اشاره

در مورد اسم اشاره هم خواندیم که به‌طور کلی به دور و نزدیک تقسیم می‌شوند و برای اشاره کردن به اشیا، مکان و اشخاص به‌کار برده می‌شوند.

اسم اشاره	نزدیک	مفرد	مذکر: هَذَا / ذَا (این)	مؤنث: هَذِهِ
		مثنی	مذکر: هَذَانِ، هَذَيْنِ (این دو، این‌ها)	مؤنث: هَاتَانِ، هَاتَيْنِ
		جمع	مذکر یا مؤنث: هَؤُلَاءِ (این‌ها)	
دور	مفرد	مذکر: ذَلِكَ / ذَاكَ (آن)	مؤنث: تِلْكَ	
	جمع	مذکر یا مؤنث: أُولَئِكَ (آن‌ها)		

\* اگر بعد از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره چه مفرد باشد، چه مثنی و چه جمع، در هر صورت مفرد ترجمه می‌شود، ولی اگر اسم بعد از اسم اشاره بدون «ال» باشد، اسم اشاره به همان صورت ترجمه می‌شود.

**مثال** هَؤُلَاءِ الطَّلَابُ، نَاجِحُونَ: این دانش‌آموزان، موفق هستند. أُولَئِكَ تَلَامِيذُ: آن‌ها، دانش‌آموز هستند.

### ویژه علاقمندان

\* برای اسم‌های جمعی که غیرانسان باشند از اسم اشاره مفرد مؤنث «هَذِهِ / تِلْكَ» استفاده می‌شود.

**مثال** هَذِهِ الأشجارُ، باسقةٌ: این درختان، بلند هستند.

تِلْكَ آیَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ: آن، آیات کتاب حکمت‌آمیز است.

ضمیر

در سال‌های گذشته خواندید که ضمایر به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ضمایر منفصل (جدا) ۲- ضمایر متصل (پیوسته)

شخص	ضمیر منفصل	ترجمه	ضمیر متصل	ترجمه
اول شخص مفرد	أنا	من	ي	م - مرا
دوم شخص مفرد	أنتَ / أنتِ	تو	كَ / كِ	ت - تو را
سوم شخص مفرد	هُوَ / هِيَ	او	ه ، هـ / ها	ش - او را
اول شخص جمع	نحنُ	ما	نا	مان - ما را
دوم شخص جمع	أنتمُ / أنتنَّ	شما	كُما / كُنَّ	تان - شما را
سوم شخص جمع	هُمُ / هُنَّ	آن‌ها / ایشان	هُمُ / هُنَّ	شان - ایشان را / آن‌ها را

کاربرد ضمایر

- ضمایر منفصل (هُوَ، ... أنتَ، ... نحنُ) معمولاً اول جمله می‌آیند.
  - مثال** هُوَ عالمٌ؛ او دانشمند است.
  - مثال** أَنْتُمْ ناجحونَ: شما موفق هستید.
  - مثال** أَنَا مجتهدٌ: من کوشا هستم.
- اگر این ضمایر منفصل را بعد از فعل مخاطب امر یا مضارع نهی ببینیم، جنبه تأکید دارند.
  - مثال** إِذْهَبْ أَنْتَ: برو تو (تو برو).
  - مثال** لا تَذْهَبِي أَنْتِ: نرو تو (تو نرو).
- ضمایر متصل (هُ، ... كَ، ... نا) به آخر هر سه نوع کلمه (اسم، فعل، حرف) می‌چسبند.
  - مثال** نَصْرَةٌ: او را یاری کرد.
  - مثال** كِتَابَةٌ: کتاب او (کتابش).
  - مثال** إِلَيْهِ: به سوی او (به سویش).

فعل

صِبْغُ الْأَفْعَالِ (صیغه‌های فعل‌ها)

نام صیغه به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	أنا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	—	—
دوم شخص مفرد	من	انجام دادم	انجام می‌دهم	—	—
دوم شخص مفرد	أنتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
دوم شخص مفرد	أنتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	تو	انجام دادی	انجام می‌دهی	انجام بده	انجام نده
سوم شخص مفرد	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	—	—
سوم شخص مفرد	هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	—	—
اول شخص جمع	نحنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	—	—
دوم شخص جمع	ما	انجام دادیم	انجام می‌دهیم	—	—
دوم شخص جمع	أنتم	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
دوم شخص جمع	أنتنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
دوم شخص جمع	أنتمُ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
دوم شخص جمع	أنتمُ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	شما	انجام دادید	انجام می‌دهید	انجام بدهید	انجام ندهید
سوم شخص جمع	هم	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	—	—
سوم شخص جمع	هنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	—	—
سوم شخص جمع	هما	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	—	—
سوم شخص جمع	هما	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	—	—
سوم شخص جمع	ایشان	انجام دادند	انجام می‌دهند	—	—

## فعل ماضی استمراری

کان + فعل مضارع = فعل ماضی استمراری

**مثال** كَانَ يَذْهَبُ: می‌رفت

\* فعل «کان» به معنی «بود» است، اگر در جمله با فعل مضارع بیاید، معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شوند.

**مثال** كَانَتِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةً: دانش‌آموز موفق بود.

كَانَتِ الطَّالِبَةُ تَنْجَحُ: دانش‌آموز موفق می‌شد.

الطَّلَابُ كَانُوا يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: دانش‌آموزان به مدرسه می‌رفتند.

## فعل مستقبل (آینده)

حرف «س» یا «سَوْفَ» + فعل مضارع = فعل مستقبل

\* در زبان عربی برای بردن فعل به زمان آینده، حرف «س» یا «سَوْفَ» را بر سر فعل مضارع می‌آوریم؛ بنابراین در ترجمه، فعل‌های مصدر «خواستن»:

«خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند» با فعل مضارع آورده می‌شود.

**مثال**

يَذْهَبُ (می‌رود) ← سَيَذْهَبُ / سَوْفَ يَذْهَبُ (خواهد رفت).

نَكْتُبُ (می‌نویسیم) ← سَنَكْتُبُ / سَوْفَ نَكْتُبُ (خواهیم نوشت).

## فعل امر

برای دستور دادن به کسی، از فعل امر استفاده می‌کنیم. فعل امر از مضارع دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع ساخته می‌شود.

### روش ساختن فعل امر

حرف «ت» را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم. ← تَذْهَبُ ← ذَهَبْ / تَخْرُجَانِ ← خُرْجَانِ  
 اگر اولین حرف ساکن (ء) باشد و حرکت حرف دوم ریشه (عین‌الفعل) ← «ء» باشد، اول فعل «أ» می‌آوریم. ← أَخْرُجَانِ  
 اگر اولین حرف ساکن (ء) باشد، ساکن (ء) می‌کنیم. ← إِذْهَبْ  
 اگر «ن» باشد، آن را حذف می‌کنیم به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود. ← أَخْرُجَا

**مثال**

تَجْلِسُ ← جَلِسْ ← اجْلِسْ (بنشین)

تَجْلِسِينَ ← اجْلِسِي (بنشین)

تَجْلِسَانِ ← اجْلِسَا (بنشینید)

تَجْلِسُونِ ← اجْلِسُوا (بنشینید، پس از حذف نون، برای زیبایی، الف (ا) می‌گذاریم.)

تَجْلِسْنَ ← اجْلِسْنَ (بنشینید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود.)

تَذْهَبُ ← اِذْهَبْ (برو)

تَذْهَبِينَ ← اِذْهَبِي (برو)

تَذْهَبَانِ ← اِذْهَبَا (بروید)

تَذْهَبُونَ ← اِذْهَبُوا (بروید)

تَذْهَبْنَ ← اِذْهَبْنَ (بروید؛ نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود.)

تَكْتُبُ ← اَكْتُبْ (بنویس)

تَكْتُبِينَ ← اَكْتُبِي (بنویس)

تَكْتُبَانِ ← اَكْتُبَا (بنویسید)

تَكْتُبُونَ ← اَكْتُبُوا (بنویسید)

تَكْتُبْنَ ← اَكْتُبْنَ (بنویسید؛ نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود.)

## فعل نهی

با فعل نهی، کسی را از انجام کاری یا داشتن حالتی باز می‌داریم.

### روش ساختن فعل نهی

حرف «لا» ی نهی را اول فعل مضارع می‌آوریم.

«ء» باشد، ساکن (ء) می‌کنیم.

آخر فعل را اگر «ن» باشد، آن را حذف می‌کنیم به جز «نون جمع مؤنث» که ضمیر است و حذف نمی‌شود.

مثال

- تَذَهَبُ ← لَا تَذَهَبُ (نرو)  
 تَذَهَبَانِ ← لَا تَذَهَبَانِ (نروید)  
 تَذَهَبِينَ ← لَا تَذَهَبِينَ (نروید، نون جمع مؤنث حذف نمی‌شود).
- تَذَهَبِينَ ← لَا تَذَهَبِينَ (نرو)  
 تَذَهَبُونَ ← لَا تَذَهَبُونَ (نروید، پس از حذف نون، برای زیبایی، الف (ا) می‌گذاریم).

فعل نفی

ماضی منفی: ما + فعل ماضی. ذَهَبَ (رفت) **نفی** ← ما ذَهَبَ (نرفت)  
 مضارع منفی: لا + فعل مضارع. حرف «لا» را اول فعل مضارع می‌آوریم؛ این حرف، آخر فعل را تغییر نمی‌دهد، ولی معنای آن را منفی می‌کند.

**مثال** تَذَهَبُ (می‌روی) **نفی** ← لَا تَذَهَبُ (نمی‌روی)  
 تَذَهَبَانِ (می‌روید) **نفی** ← لَا تَذَهَبَانِ (نمی‌روید)

ترکیب اضافی - ترکیب وصفی

هرگاه دو اسم با هم خوانده بشوند، معمولاً با دو ترکیب مواجهیم: یا ترکیب اضافی است که «مضاف و مضاف‌إلیه» دارد یا ترکیب وصفی است که «موصوف و صفت» دارد.

در ترکیب **اضافی**، اسم اول را «مضاف» گویند که نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین (ـِ)» و اسم دوم را «مضاف‌إلیه» گویند که می‌تواند اسم خاص یا اسم «ال» دار یا ضمیر متصل یا اسم اشاره باشد.

**مثال** كِتَابٌ عَلِيٍّ (کتاب علی) / مُعَلِّمٌ الْمَدْرَسَةِ (معلم مدرسه) / قَلَمٌ تُو (قلم تو) / قَلَمٌ هَذَا التَّلْمِيذِ (قلم این دانش‌آموز)  
 مضاف مضاف‌إلیه      مضاف مضاف‌إلیه      مضاف مضاف‌إلیه      مضاف مضاف‌إلیه

در ترکیب **وصفی** هم دو اسم وجود دارد که معمولاً یا هر دو «ال» دارند یا هر دو بدون «ال» هستند یا تنوین (ـِ) دارند. اسم اول را که وصف می‌شود، «موصوف» و اسم دوم را که وصف می‌کند، «صفت» گویند. صفت از چهار جهت «جنس (مذکر یا مؤنث)، تعداد (مفرد، مثنی یا جمع بودن)، داشتن یا نداشتن «ال» و «حرکت» شبیه موصوف است.

**مثال** التَّلْمِيذَةُ النَّاجِحَةُ (دانش‌آموز موفق) / كِتَابًا مُفِيدًا (کتابی مفید) / الْمُعَلِّمُونَ الْمُجِدِّونَ (معلمان کوشا)  
 موصوف صفت      موصوف صفت      موصوف صفت

توجه داشته باشیم گاهی یک اسم، هم مضاف‌إلیه و هم صفت دارد. در فارسی، برای اسم، اول صفت می‌آید و بعد مضاف‌إلیه، ولی در عربی برعکس است، برای اسم، اول مضاف‌إلیه می‌آید و بعد صفت.

**مثال** كِتَابِي الْمَفِيد (کتاب سودمند من) / بَيْتِكَ الْكَبِيرِ (خانه بزرگ تو)  
 مضاف‌إلیه صفت      مضاف‌إلیه صفت

وزن اسم

وزن اسم‌هایی که ریشه فعلی دارند، براساس ریشه «ف-ع-ل» با اضافه کردن حروف اضافه و حرکت‌های آن اسم، به دست می‌آید:

كَاتِبٌ ← **وزن** فاعِل      مَخْلُوقٌ ← **وزن** مَفْعُول      أَعْلَمُ ← **وزن** أَفْعَل

ترجمه اسم بر وزن «أَفْعَل» در جمله  
 بعد از آن حرف «مِنْ» باشد با پسوند «تر» می‌آید. ← أَفْضَلُ مِنْ: برتر از  
 بعد از آن مضاف‌إلیه باشد با پسوند «ترین» می‌آید. ← أَفْضَلُ النَّاسِ: برترین مردم

کلمات پرسشی

در سال‌های گذشته با کاربرد کلمات پرسشی و روش پاسخگویی به آن‌ها آشنا شدید.

**کلمات پرسشی عبارتند از:** هَلْ / أ (آیا)، مَنْ (کیست، چه کسی)، لِمَنْ (برای کیست، مال چه کسی است)، مَا / ماذا (چیست، چه چیزی)، لِمَاذَا / لِمَ (برای چه، چرا)، بِمَاذَا / بِمَ (به چه چیزی، با چه چیزی)، أَبِنْ (کجا)، مِنْ أَيْنَ (از کجا، اهل کجا)، كَمَ (چند، چقدر)، مَتَى (کی، چه وقت)، كَيْفَ (چگونه)، أَيْ (کدام)، ... که برای پرسش از مخاطب به‌کار می‌روند.

### موارد استفاده از کلمات پرسشی

کلمات پرسشی	نحوه پاسخگویی
«هَلْ / أ»	در جواب، «نعم (بله)» یا «لا (خیر)» گفته می‌شود و می‌توان جمله را طبق شرایط کلی مثبت یا منفی تکرار کرد. <b>مثال</b> هَلْ هَذَا كِتَابُكَ؟ (آیا این کتاب تو است؟) نَعَمْ، هَذَا كِتَابِي. (بله، این کتاب من است.) / أَلَا تَكْتُبُ دَرَسَكَ؟ (آیا درست را نمی‌نویسی؟) نَعَمْ، أَكْتُبُ دَرْسِي. (بله، درس را می‌نویسم.) / أَتَقْرَأُ الصَّحِيفَةَ؟ (آیا روزنامه می‌خوانی؟) لا، لِأَقْرَأُ الصَّحِيفَةَ. (نه، روزنامه نمی‌خوانم.) / لا، أَقْرَأُ الْكِتَابَ. (نه، کتاب می‌خوانم.)
«مَنْ»	در جواب، اسم شخص یا شغل او گفته می‌شود. <b>مثال</b> مَنْ هُوَ؟ (او کیست؟) هُوَ صَدِيقِي. (او دوستم است.) / مَنْ رَأَيْتَ؟ (چه کسی را دیدی؟) رَأَيْتُ عَلِيًّا. (علی را دیدم.)
«لِمَنْ»	در جواب، اسم مالک آن چیز یا آن شخص گفته می‌شود. <b>مثال</b> لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ (این کیف مال کیست؟) لِحَسَنِ / لِأَخِي / لِعَامِلِي (مال حسین / مال برادرم / مال کارگرم است.)
«ما / ماذا»	در جواب، اسم شیء گفته می‌شود. <b>مثال</b> ما هذا؟ (این چیست؟) هَذَا كِتَابٌ. (این کتاب است.) / ماذا تَصْنَعُونَ؟ (چه چیزی می‌سازید؟) نَصْنَعُ السِّيَّارَةَ. (خودرو می‌سازیم.)
«لِمَاذَا»	در جواب، با «لأنَّ / لِ» (برای این‌که، برای) «عَلَّتْ گفته می‌شود. <b>مثال</b> لِمَاذَا تَدْرُسُ أُحْتَكُ؟ (برای چه خواهرت درس می‌خواند؟) لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ. (برای موفقیت در زندگی.)
«بِمَاذَا / بِمِ»	در جواب، اسم آن چیز یا وسیله حمل و نقل گفته می‌شود. <b>مثال</b> بِمَاذَا كَتَبْتَ؟ (با چه چیزی نوشتی؟) بِالْقَلَمِ. (با قلم.) / بِمَاذَا جِئْتَ؟ (با چه چیزی آمدی؟) بِالسِّيَّارَةِ. (با خودرو.)
«أَيْنَ»	در جواب، شهر، کشور، مکان «فِي، أَمَامَ، تَحْتَ، فَوْقَ، هُنَاكَ، ...» گفته می‌شود. <b>مثال</b> أَيْنَ وَالذُّكَّ؟ (پدرت کجاست؟) وَالِدِي فِي طَهْرَانَ. (پدرم در تهران است.) / أَيْنَ جَلَسْتَ؟ (کجا نشستی؟) جَلَسْتُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ. (زیر درخت نشستم.)
«مِنْ أَيْنَ»	در جواب، اسم مکان، شهر یا کشوری، ... که اهل آن جاست، گفته می‌شود. <b>مثال</b> مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (تو از کجا هستی؟) مِنْ إِيرَانَ. (از ایران.) / أَنَا إِيرَانِيٌّ. (من ایرانی هستم.)
«كَمْ»	از چندی و مقدار پرسیده می‌شود و در جواب، تعداد (عدد) می‌آید. <b>مثال</b> كَمْ تَلْمِيزًا فِي الصَّفِّ؟ (چند دانش‌آموز در کلاس است؟) بِيْنَتَةٌ تَلْمِيزًا. (شش دانش‌آموز)
«مَتَى»	در جواب، زمان «الْيَوْمَ، أَمْسَ، لَيْلَ، مَسَاءً، قَبْلَ، بَعْدَ، فِي الصَّبَاحِ و ...» گفته می‌شود. <b>مثال</b> مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ؟ (کی به خانه می‌روی؟) أَذْهَبُ عِنْدَ الظُّهْرِ. (هنگام ظهر می‌روم.)
«كَيْفَ»	در جواب، حالت خود یا دیگران بیان می‌شود. <b>مثال</b> كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟) أَنَا خَيْرٌ (من خوبم.) / كَيْفَ دَخَلَ عَلِيٌّ فِي الصَّفِّ؟ (چگونه علی به کلاس وارد شد؟) دَخَلَ عَلِيٌّ مَسْرُورًا. (علی خوشحال وارد شد.) / كَيْفَ جِئْتَ؟ (چگونه آمدی؟) جِئْتُ عَاجِلًا. (با عجله آمدم.)
«أَيَّ»	معمولاً از مکان یا زمان یا موقعیت چیزی پرسیده می‌شود. <b>مثال</b> فِي أَيِّ مَكَانٍ تُطَالِعُ؟ (در کدام مکان مطالعه می‌کنی؟) فِي الْمَكْتَبَةِ (در کتابخانه) / أَيُّ يَوْمٍ بَعْدَ السَّبْتِ؟ (کدام روز بعد از شنبه است؟) الْأَحَدُ (یک‌شنبه)

### اعداد اصلی و ترتیبی

\* اعداد اصلی و ترتیبی را در پایه هشتم یاد گرفتیم، اکنون در حد شمارش مرور می‌کنیم و در درس دوم، نکات بیشتری از آن‌ها را خواهیم خواند.

### اعداد اصلی

مذکر	واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَ	أَرْبَعَةَ	خَمْسَةَ	سِتِّ	سَبْعَ	ثَمَانِي	تِسْعَ	عَشَرَ	أَحَدَ عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ
مؤنث	واحدة	إِثْنَتَانِ	ثَلَاثَةٌ	أَرْبَعَةٌ	خَمْسَةٌ	سِتَّةَ	سَبْعَةٌ	ثَمَانِيَةٌ	تِسْعَةٌ	عَشْرَةٌ	أَحَدَى عَشْرَةَ	إِثْنَتَا عَشْرَةَ
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده



## اعداد ترتیبی

مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة	الثانية عشرة
ترجمه	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

## ساعت

ساعت را قبلاً یاد گرفتیم، سؤال آن: «کَم السَّاعَةُ الآنَ؟ (الآن ساعت چند است؟) و جواب آن با توجه به ساعت، می تواند این ها باشد: الواحدة (۱:۰۰)، الثانية (۲:۰۰)، الثالثة (۳:۰۰)، الرابعة (۴:۰۰)، الخامسة (۵:۰۰)، السادسة (۶:۰۰)، السابعة (۷:۰۰)، الثامنة (۸:۰۰)، التاسعة (۹:۰۰)، العاشرة (۱۰:۰۰)، الحادية عشرة (۱۱:۰۰) و الثانية عشرة (۱۲:۰۰) که می توان به آخر همه آن ها «تماماً» را اضافه کرد.

**مثال** کَم السَّاعَةُ الآنَ؟ الثانية عشرة تماماً (۱۲ تمام).

برای «۱۵ دقیقه، ۳۰ دقیقه و ۴۵ دقیقه» به ترتیب «الرَّيْع، النَّصْف و إِلَّا رُبْعاً» را به کار می بریم.

**مثال** کَم السَّاعَةُ الآنَ؟ السادسة و الرَّيْع (۶:۱۵)

الثامنة و النَّصْف (۸:۳۰)

العاشرة إِلَّا رُبْعاً (۹:۴۵)

## روزهای هفته

السَّبْت (شنبه)، الأَحَد (یکشنبه)، الإِثْنَيْنِ (دوشنبه)، الثَّلَاثاء (سهشنبه)، الأَرْبَعاء (چهارشنبه)، الخَمِيس (پنجشنبه)، الجُمُعَة (جمعه)

## فصلهای سال

الرَّبِيع (بهار)، الصَّيف (تابستان)، الحَرِيف (پاییز)، الشَّتاء (زمستان)

## رنگهای اصلی

أَبْيَض (سفید)، أَسْوَد (سیاه)، أَحْضَر (سبز)، أَحْمَر (سرخ)، أَصْفَر (زرد)، أَزْرَق (آبی)

دوست عزیز، امیدوارم برای پاسخ به سؤالات آماده شده باشید. اگر هم نتوانستید، لازم است چند بار مطالب و توضیحات را مرور کنید تا توانایی پاسخ به تمرینات و سؤالات را به دست آورید.

## مکالمه

### جواراتُ (التعازُفُ في مطارِ النَّجفِ الأَشْرَفِ)

گفت وگوها (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائر مَرَقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (زائر زیارت کننده) آرامگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ (یکی از کارمندان در سالن فرودگاه)
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (درود بر شما.)	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (درود و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.)
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. (صبح به خیر ای برادرم.)	صَبَاحَ النُّورِ وَ الشَّرورِ. (صبح [شما] پر از نور و خوشی باد.)
كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟)	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ (من خوبم و تو چطور؟)
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. (خوبم، شکر خدا)	عَفْواً، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (بخشید، تو کجایی هستی؟)
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. (من از جمهوری اسلامی ایران هستم.)	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم شریف چیست؟)
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ (اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟)	إِسْمِي عَبْدِ الرَّحْمَانِ. (اسم من عبدالرحمان است.)
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ (آیا تا به حال به ایران سفر کردی؟)	لَا، مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ. (نه متأسفانه. اما دوست دارم که سفر کنم.)
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ! (اگر خدا بخواهد به ایران سفر می کنی!)	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. (اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.)
فِي أَمَانِ اللَّهِ. (در پناه خدا.)	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. (در پناه و حفظ خدا باشی، ای دوستم.)

## تمرین کتاب درسی

﴿ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ ﴾ كَمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ. (ترجمه آیات و حدیث‌های زیر را کامل کن.)

۱- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء: ۸۴

و برای من یاد نیکو در .....  
(میان) آیندگان قرار بده.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّف: ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، .....  
چرا چیزی (سخنی) را می‌گویید که انجام نمی‌دهید (عمل نمی‌کنید)؟

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون: ۵۱

و کار نیکو .....  
انجام دهید. به راستی که من به آنچه انجام می‌دهید، آگاه هستم.

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف: ۴۷

پروردگارا، .....  
ما را همراه (در جایگاه) گروه ستم‌کاران قرار نده.

۵- ﴿لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.﴾ رسول الله ﷺ

به بسیاری نمازشان و ..... و بسیاری حجشان .....  
روزه‌شان - ننگرید، اما به راستی سخن و به جای آوردن امانت [شان] بنگرید.

۶- ﴿ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.﴾ رسول الله ﷺ

به کسی که در زمین است .....  
رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

﴿ التَّمَرِينُ الثَّانِي ﴾ اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ. (حدیث‌های زیر را بخوان سپس ترجمه صحیحش را مشخص کن.)

۱- ﴿اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.﴾ رسول الله ﷺ

برای (دنیایت  دنیا ) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می‌کنی  لذت می‌بری )

و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می‌میری  نزدیک است بمیری ) .  
دنیایک (دنیایت) / تعیش (زندگی می‌کنی) / تموت غداً (فردا می‌میری)

۲- ﴿انظُرْ إِلَى مَا قَالُوا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالُوا.﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

به آنچه گفته است (بنگر  می‌نگرم ) و به آن‌که گفته است (ننگر  نمی‌نگرم ) .  
أَنْظُرُ (بنگر) / لَا تَنْظُرُ (ننگر)

۳- ﴿إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند  مالک قدرت شدند )؛ شایستگان هلاک شدند.  
مَلَكَ (به فرمانروایی رسیدند)

۴- ﴿مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

هر کس (دشمنی  دوستی ) کاشت؛ (زیان  سود ) درو کرد.  
الْعُدْوَانُ (دشمنی) / الْخُسْرَانُ (زیان)

۵- ﴿الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

سخن مانند داروست؛ اندکش (سود می‌رساند  شفا می‌دهد ) و بسیارش کشنده است.  
يَنْفَعُ (سود می‌رساند)

﴿ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ ﴾ تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَّ وَ الْمَضَارِعَ وَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ. (آیات و احادیث زیر را ترجمه کن، سپس فعل ماضی، مضارع، امر و نهی را مشخص کن.)

۱- ﴿... وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ...﴾ التَّحَل: ۳۳

و خداوند به آنان ستم نکرد بلکه به خودشان ستم می‌کردند ...  
ماظلمَ (ماضی منفی) / كانوا (ماضی) / يظلمونَ (مضارع)

«البته ترکیب دو فعل «كانوا ... يظلمون» معادل ماضی استمراری

ترجمه می‌شود.»

۲- ﴿... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...﴾ التَّسَاء: ۲۹

خودتان را نکشید به راستی خداوند نسبت به شما مهربان بود (است) ...  
لَا تَقْتُلُوا (مضارع نهی) / كَانَ (ماضی)

۳- ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ يوسف: ۶۷

از یک در وارد نشوید و از درهای گوناگون وارد شوید ...  
لَا تَدْخُلُوا (مضارع نهی) / ادخلوا (امر)

۴- «أَطْبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

علم را بجوید اگرچه در چین باشد پس همانا خواستن علم واجب دینی است. (اطبوا امر)

۵- «إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه بر دشمنت قدرت یافتی بخشش را درباره او، شکر برای قدرت یافتن بر او قرار بده. (قدرت ماضی) / اجعل امر

۶- «قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» يُضْفُ الْعِلْمَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

سخن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است. (لا أعلم مضارع منفی)

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ وَ ادْكُرْ صِيغَهَا. (فعل‌های زیر را ترجمه کن و صیغه‌های آن‌ها را نام ببر).

فعل	ترجمه / صیغه	فعل	ترجمه / صیغه	فعل	ترجمه / صیغه
ما قَدَرُوا (ماضی منفی)	ننوانستند / جمع مذکر غایب	قَبَلْتُ (ماضی)	بوسیدی / مفرد مذکر مخاطب	سَنَكشِفُ (مستقبل)	کشف خواهیم کرد / متکلم مع الغیر
ما فَقدْنَا (ماضی منفی)	از دست ندادیم، گم نکردیم / متکلم مع الغیر	تَلَبَّسُونَ (مضارع)	می‌پوشید / جمع مذکر مخاطب	سَوْفَ يَفْرَحُ (مستقبل)	شاد خواهد شد / مفرد مذکر غایب
عَيَّرَنَ (ماضی)	تغییر دادند / جمع مؤنث غایب	تَطَرَّفْنَ (مضارع)	می‌کوبید / جمع مؤنث مخاطب	لَا تَصْعَدِينَ (مضارع منفی)	بالا نمی‌روی / مفرد مؤنث مخاطب
أَرْقَدُوا (امر)	بخوابید، بستری شوید / جمع مذکر مخاطب	لَا تَهْرَبْ (نهی)	فرار نکن / مفرد مذکر مخاطب	كَانَ يَلْعَبُ (ماضی استمراری)	بازی می‌کرد / مفرد مذکر غایب

اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى. (در جای خالی بر طبق ترجمه، کلمه‌ای مناسب را بنویس).

۱- الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ هِيَ:

اعداد اصلی	واحد	إثنان	ثلاثة	أربعة	خمسة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	إثنا عشر	
	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

۲- الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ هِيَ:

اعداد ترتیبی	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

۳- أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ سَبْعَةٌ وَ هِيَ:

روزهای هفته	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة
	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه

۴- فُصُولُ السَّنَةِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ:

فصل‌های سال	الربيع	الصيف	الخريف	الشتاء
	بهار	تابستان	پاییز	زمستان

۵-

وعده‌های اصلی غذا	نَأْكُلُ الْفُطُورَ فِي الصَّبَاحِ وَ الْعَدَاءَ فِي الظُّهْرِ وَ الْعِشَاءَ فِي اللَّيْلِ. صبحانه را در صبح و ناهار را در ظهر و شام را در شب می‌خوریم.
-------------------	--

۶-

رنگ‌های اصلی	لَوْنُ الْغُرَابِ أَسْوَدٌ، وَ لَوْنُ السَّحَابِ أَبْيَضٌ وَ لَوْنُ الْبَحْرِ أَزْرَقٌ، وَ لَوْنُ الْمَوْزِ أَصْفَرٌ وَ لَوْنُ الزَّمَانِ أَحْمَرٌ، وَ لَوْنُ الشَّجَرِ أَحْضَرٌ. رنگ کلاغ سیاه و رنگ ابر سفید و رنگ دریا آبی و رنگ موز زرد و رنگ انار سرخ و رنگ درخت سبز است.
--------------	---

الْتَّمْرِينِ السَّادِسِ

صَعِبُ فِي الدَّائِرَةِ العَدَدِ المُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.» (در دایره، عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

- ۱- اَلشَّرْزُةُ (اخگر) الف: مِنَ الأَحْجَارِ الجَمِيلَةِ العَالِيَةِ ذَاتِ اللَوْنِ الأَبْيَضِ. (از سنگ‌های زیبای گران قیمت که سفیدرنگ است.)
- ۲- اَلشَّمْسُ (خورشید) ب: جَدَوْتُهَا مُسْتَعْرَبَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنَشِيرَةٌ. (پاره آتشش فروزان است، نورانی است و گرمایش پراکنده است.)
- ۳- اَلقَمَرُ (ماه) ج: كوكبٌ يَدُورُ حَوْلَ الأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. (ستاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
- ۴- الأَنْعَمُ (نعمت‌ها) د: بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
- ۵- اَلغَيْمُ (ابر) هـ: مِنَ المَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الأَلْوَانِ المُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه با رنگ‌های گوناگون.)
- ۶- اَلفُستَانُ (پیراهن زنانه) و: قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. (پاره‌ای از آتش.)
- ۷- اَلدَّرَزُ (مرواریدها)

پاسخ:

- ۱- (و) ۲- (ب) ۳- (ج) ۴- (اضافه آمده) ۵- (د) ۶- (ه) ۷- (الف)

الْتَّمْرِينِ السَّابِعِ

صَعِبُ هَذِهِ الجَمَلِ وَ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا المُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرجمْهَا. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

هُؤُلَاءِ فَائِزَاتُ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ البَطَّارِيَةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هؤُلَاءِ الأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تلك البطارية	هذان الدليلان	هاتان الرجاجتان	أولئك الصالحون	هؤلاء الفائزات	هؤلاء الأعداء
آن باتری	این دو راهنما	این دو شیشه	آن درستکاران	این‌ها برندگان هستند.	این دشمنان

الْتَّمْرِينِ الثَّامِنِ

اُكْتُبْ وَزْنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار: وزنشان به ترتیب «فَاعِل، مَفْعُول، أَفْعَال» و ریشه آن‌ها «ن ص ر» است.
- ۲- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: وزنشان به ترتیب «فَعَال، فَعُول، فَاعِل» و ریشه آن‌ها «ص ب ر» است.
- ۳- مِفْتَاح، إِفْتِتاح، فَاتِحَة: وزنشان به ترتیب «مِفْعَال، إِفْتِعال، فَاعِلَة» و ریشه آن‌ها «ف ت ح» است.

الْتَّمْرِينِ الثَّاسِعِ

صَعِبُ المُتْرَادِفَاتِ وَ المُتضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا المُنَاسِبِ. (مترادف‌ها و متضادها را در مکان مناسبش بگذار.) = ≠

ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ

رَحِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ
ارزان ≠ گران	مردود ≠ قبول	چپ ≠ راست	غمگین ≠ خوشحال
بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ	بِدَائِيَةٌ ≠ نِهَائِيَةٌ	بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ	مُجْتَهِدٌ = مُجَدِّدٌ
فروش ≠ خرید	آغاز ≠ پایان	دور ≠ نزدیک	تلاشگر
رَقَدٌ = نَامٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	نور = ضِيَاءٌ	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ
خوابید	زشت ≠ زیبا	روشنایی	غیرمجاز ≠ مجاز

الْتَّمْرِينِ العَاشِرِ

أرْسِمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



التَّاسِعَةُ إِلا رُبْعاً

یک ربع مانده به نه (هشت و چهل و پنج دقیقه)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



الخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)



## اول

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس

## واژگان

۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِكَلِمَةِ «إِعْبَارٍ» فِي عِبَارَةِ «اللَّهُ صَيَّرَ الْأَرْضَ بِالْمَطَرِ بَعْدَ إِعْبَارٍ خَصِيرَةً!»:

- (۱) روشنایی (۲) باران (۳) غبارآلودگی (۴) پدید آوردن

۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِتَرْجَمَةِ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ: «يَفْعَلُ الْإِنْسَانُ الْأُمُورَ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةً!»

- (۱) فراوان (۲) کامل (۳) قدرتمند (۴) اندیشمند

۳- «أَنَا أَفْعَلُ الصَّلَاةَ وَصُومِي لِأَنَّهُمَا مِنَ الْفَرَائِضِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) واجباتم - وظیفه دینی (۲) روزهام - وظیفه‌ها (۳) روزهام - واجبات دینی (۴) نمازم - واجب دینی

۴- «إِجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ!»؛ إِجْعَلُ:

- (۱) قرار می‌دهم. (۲) قرار بده. (۳) قرار دادی. (۴) قرار دادم.

۵- مَا هُوَ الْخَطَأُ عَنِ كَلِمَةِ «السَّمْسُ»؟

- (۱) الشَّرْرَةُ (۲) النَّصْرَةُ (۳) الْحَرَاةُ (۴) الْجَدْوَةُ

۶- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ تَنَاسُبِ الْكَلِمَاتِ فِي الْجَمَلِ:

- (۱) اللَّيْلُ صَوْءًا! (۲) الشَّمْسُ مُسْتَعْرَةً! (۳) الْأَنْعُمُ مِنْهَمِرَةً! (۴) الْعُصُوفُ نَصْرَةً!

۷- «عَنْ جَوَابِ الشَّخْصِ الَّذِي سَأَلَ مَنِي: كَيْفَ أَنْتَ؟ قُلْتُ:.....!»

- (۱) أَنَا أَذْهَبُ إِلَى النَّجْفِ الْأَشْرَفِ! (۲) بَخِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ! (۳) صَبَاحَ الْخَيْرِ! (۴) عَفْوًا، كَيْفَ حَالُكَ!

۸- «ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي إِلَى الْجَبَلِ أَنْ ..... سَتَرَ كُلَّ الْأَمَاكِينِ وَ تَسَاقَطَ الْمَطَرُ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

- (۱) الشَّرْرَةُ (۲) النَّجْمُ (۳) الْغَيْمُ (۴) الْجَوُّ

۹- «.....» هُوَ الْحَجَرُ الْجَمِيلُ الْعَالِي ذَاتَ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ! عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:

- (۱) الْفِضَّةُ (۲) الْقَمَرُ (۳) الذَّهَبُ (۴) الدَّرُّ

۱۰- «أَيَّامَ الْأُسْبُوعِ ..... وَ الْيَوْمَ الثَّانِي يَوْمٌ .....!»

- (۱) سَبْعَةٌ - الْأَحَدُ (۲) خَمْسَةٌ - السَّبْتُ (۳) سَبْعَةٌ - الْإِثْنَيْنِ (۴) تِسْعَةٌ - الْأَحَدُ

۱۱- «.....» يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ نَنْظُرُهُ فِي اللَّيْلِ.

- (۱) الشَّمْسُ (۲) النَّجْمُ (۳) الْغَيْمُ (۴) الْقَمَرُ

۱۲- عَيْنِ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: «إِنَّ أَغْلَبَ النَّاسِ فِي إِيْرَانِ يَأْكُلُونَ ..... فِي الْفُطُورِ!»

- (۱) الْحَلِيبُ (۲) الْخَبَزُ (۳) الرِّبْدَةُ (۴) الرِّزُّ

۱۳- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ مُتَضَادِّ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) يَمُوتٌ ≠ يَعِيشُ (۲) غَالِي ≠ رَخِيسُ (۳) حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ (۴) نَامٌ ≠ رَقَدَ

۱۴- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ مُفْرَدِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) وُجُوهُ ← وَجْهٌ (۲) مَفَاتِيحُ ← مِفْتَاحٌ (۳) أَبْوَابٌ ← بَابٌ (۴) أَفْضَلُ ← فَضِيلَةٌ

۱۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ مُتَرَادِفِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) خَلَقَ = أَوْجَدَ (۲) الثَّمَرَةُ = الشَّرْرَةُ (۳) ذَا = ذَاكَ (۴) نَاجِحٌ = رَاسِبٌ

۱۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «لَوْنُ الْغُرَابِ .....!»

- (۱) أَبْيَضُ (۲) أَسْوَدُ (۳) أَصْفَرُ (۴) أَرْزَقُ

۱۷- «الغيم ..... متراكم في السماء ينزل منه .....!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَيْنِ:

(۱) بُحَاژ - التَّلْجُ (۲) رِيحٌ - المَطَرُ (۳) قِطْعَةٌ - السَّحَابُ (۴) دُرٌّ - النَّجْمُ

۱۸- «الكلام كالدواء، ..... ينفع و ..... فائلاً!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَيْنِ:

(۱) كَثِيرَةٌ - قَلِيلَةٌ (۲) قَلِيلَةٌ - كَثِيرَةٌ (۳) كَثِيرَةٌ - كَثِيرَةٌ (۴) قَلِيلَةٌ - قَلِيلَةٌ

۱۹- أَيُّ عِبَارَةٍ خَطَأً حَسَبَ مَا قَرَأْتَ حَتَّى الْآنَ؟

(۱) الشَّرْزَةُ، قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ!  
(۲) الواجِدُ مِنَ الأَعْدَادِ التَّرْتِيبِيَّةِ!  
(۳) دَوْرٌ وَاحِدٌ مِنْ عَقَارِبِ السَّاعَةِ، الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً!  
(۴) التَّمَانِيَةُ مِنَ الأَعْدَادِ الأَصْلِيَّةِ!

۲۰- عَيْنِ الخَطَأِ:

(۱) يَوْمَ السَّبْتِ أَوَّلُ الأَيَّامِ مِنَ الأَسْبُوعِ!  
(۲) يَوْمَ الأَحَدِ بَعْدَ يَوْمِ السَّبْتِ وَ قَبْلَ يَوْمِ الإِثْنَيْنِ!  
(۳) يَوْمَ السَّبْتِ قَبْلَ يَوْمِ الإِثْنَيْنِ وَ بَعْدَ الحَمِيسِ!  
(۴) يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ بَيْنَ يَوْمِ الإِثْنَيْنِ وَ يَوْمِ الأَرْبَعَاءِ!

۲۱- أَيُّ مُنْتَحَبٍ كَلِمَاتُهُ تَتَنَاسَبُ فِي المَعْنَى؟

(۱) حاسوب - طيار - بائع (۲) أب - رجل - أخ (۳) مُخْتَبِرٌ - مَطْعَمٌ - مَلْعَبٌ (۴) عَنَبٌ - جُبْنَةٌ - زُمان

۲۲- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهَا جَمْعُ التَّكْسِيرِ (جمع مكسر):

(۱) طُولٌ قَامَةٌ الزَّرَافَةِ سِتَّةَ أمتارٍ! (۲) هُمُ وَجَدُوا مِفْتَاحَهُمْ!  
(۳) الفَسْتَانُ ذاتُ الأَلْوَانِ المُخْتَلِفَةِ! (۴) ذَهَبَ إِخْوَانِي إِلى النَّجَفِ الأَشْرَفِ!

۲۳- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ ماجء المَتَضَادُّ؟

(۱) مَنْ زَرَعَ العُدُونَ حَصَدَ الحُسْرَانَ!  
(۲) المُؤْمِنُ يَصِيرُ عَلى الطَّاعَةِ وَ يَصِيرُ عَنِ المَعْصِيَةِ!  
(۳) إِذا مَلَكَ الأَرادِلُ هَلَكَ الأَفْضَلُ!  
(۴) العِلْمُ خَيْرٌ مِنَ المَالِ!

### ترجمه و مفهوم

■ عَيْنِ الأَصَحِّ وَ الأَدَقِّ فِي الأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ المَفْهُومِ

۲۴- «لَا تَنْظُرُوا إِلى الشَّمْسِ المُسْتَعْرَةِ إِلا عِنْدَ طُلُوعِها أَوْ غُرُوبِها!»:

(۱) به خورشید نورانی جز هنگام طلوعش یا غروبش نگاه نکنید!  
(۲) هنگام طلوع یا غروب خورشید فروزان به آن نگاه نمی‌کنید!  
(۳) به خورشید فروزان نگاه نکنید مگر هنگام طلوعش یا غروبش!  
(۴) نباید جز هنگام طلوع و غروب به خورشید فروزان نگاه کنند!

۲۵- «اللَّهُ سَقَى فِي الإنسانِ البَصَرَ فَهُوَ يَنْظُرُ بِها الأَنْجَمَ وَ المَنَاطِرَ الجَمِيلَةَ فِي الطَّبِيعَةِ!»:

(۱) خداوند دیده را در انسان شکافت پس او به وسیله آن، ستارگان و منظره زیبا را در طبیعت دید!  
(۲) خداوند بینایی را در انسان شکافت پس او با آن، ستارگان و منظره‌های زیبا را در طبیعت می‌بیند!  
(۳) خداوند چشم انسان را باز کرد پس او با آن، ستاره و منظره‌ها را در طبیعت زیبا می‌بیند!  
(۴) خداوند دیده را در انسان ایجاد کرد تا به وسیله آن، ستارگان و منظره‌های زیبا را ببیند!

۲۶- «قُلِ الأَجَانِبُ سَنَعْمَلُ لِإِنتاجِ البَضَائِعِ الدَّاخلِيَّةِ وَ قَدْ نَبَقِيَ كُلَّ الأَسْبُوعِ فِي مَصانِعِنا!»:

(۱) به بیگانگان بگو برای تولید کالاهای داخلی کار می‌کنیم و گاهی همه هفته در کارخانه‌مان باقی می‌مانیم!  
(۲) به بیگانگان گفتید با کار، کالاهای داخلی را تولید خواهیم کرد و گاهی کل هفته در کارخانه‌هایمان می‌مانیم!  
(۳) به بیگانگان بگو برای تولید کالاهای داخلی کار خواهیم کرد و گاهی همه هفته در کارخانه‌ها باقی می‌مانیم!  
(۴) به بیگانگان بگو برای تولید کالاهای داخلی کار خواهیم کرد و گاهی تمام هفته در کارخانه‌هایمان باقی می‌مانیم!

۲۷- «تَدَوَّرُ الأَرْضُ حَولَ الشَّمْسِ وَ يَنْتَفِعُ كُلُّ المَوْجُوداتِ بِحَرَارتِها وَ نورِها!»:

(۱) زمین در اطراف خورشید چرخید و هر موجودی از حرارت و نورش بهره می‌برد!  
(۲) خورشید در اطراف زمین می‌چرخد و همه موجودات از نور و حرارت آن بهره می‌برند!  
(۳) زمین پیرامون خورشید می‌چرخد و همه موجودات از حرارت آن و نورش بهره می‌برند!  
(۴) خورشید پیرامون زمین چرخید و موجودات همه‌شان از نور و حرارتشان بهره می‌برند!

۲۸- «أَدْخُلُوا هَذَا الْبِنَاءَ مِنْ بَابَيْنِ وَ لَا تَخْرُجُوا مِنَ الْبَابِ الْأَوَّلِ بَلْ أَخْرَجُوا مِنْ بَابِهِ الْآخِرُ!»:

- (۱) از دو دروازه وارد این ساختمان شدند و از در اول خارج نشدند بلکه از در آخر خارج شدند!  
 (۲) در این ساختمان دو در برای ورود است و در اول برای خروج نیست بلکه از در دیگر آن خارج شوید!  
 (۳) از دو در وارد این ساختمان شوید و از یک در خارج نشوید بلکه از در آخری آن خارج شوید!  
 (۴) از دو دروازه به این ساختمان وارد شوید و از در اول خارج نشوید بلکه از در دیگر آن خارج شوید!

۲۹- «وَ مَا ظَلَمْتَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»:

- (۱) و به خدا ظلم نکردند ولی به خودشان ظلم کردند!  
 (۳) و خدا به آن‌ها ستم نکرد ولی بر خودشان ستم می‌کردند!  
 (۴) و خدا به آن‌ها ستم نکرد ولی به خودشان ستم می‌کنند!

۳۰- «كَانَ الْمُؤْتَفِّفُ يَطْلُبُ مِنَ الزَّائِرِينَ أَنْ يَدْخُلُوا فِي الْمَطَارِ!»:

- (۱) کارمند از زیارت‌کنندگان می‌خواهد که وارد فرودگاه شوند!  
 (۳) کارمند از زائران می‌خواست که وارد فرودگاه شوند!  
 (۲) کارمند از زیارت‌کنندگان خواست که داخل فرودگاه شوند!  
 (۴) کارمند از زائر می‌خواست که از فرودگاه داخل شود!

۳۱- «هَذَانِ الطَّالِبَانِ يَكْتَابَانِ تَمَارِيَهُمَا فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ!»:

- (۱) این‌ها دو دانش‌آموز هستند که تمرینشان را در کتابخانهٔ مدرسه می‌نویسند!  
 (۳) این دانش‌آموزان، تمریناتشان را در کتابخانهٔ مدرسه نوشتند!  
 (۲) این‌ها دو دانش‌آموز هستند و تمرین‌هایشان را در کتابخانه می‌نویسند!  
 (۴) این دو دانش‌آموز، تمرین‌هایشان را در کتابخانهٔ مدرسه می‌نویسند!

۳۲- «لِمَاذَا تَخْتَبِرُ الطَّالِبَاتُ فِي الْمُخْتَبِرِ وَلَكِنْ لَا يَصِلُنَ إِلَى النَّتِيجَةِ!؟»:

- (۱) برای چه دانش‌آموزان در کارگاه آزمایش می‌کنند ولی نتیجه نگرفتند؟!  
 (۳) چرا دانش‌آموز با آزمایشات در آزمایشگاه به نتیجه نمی‌رسد؟!  
 (۲) چرا دانش‌آموزان در آزمایشگاه آزمایش می‌کنند ولی به نتیجه نمی‌رسند؟!  
 (۴) برای چه این آزمایش‌ها در آزمایشگاه به نتیجه نمی‌رسند؟!

۳۳- «أَلَا تَأْتِسِي وَاجِبَكَ وَ تُسَاعِدُ بِالْوَالِدِينَ!؟»:

- (۱) آیا وظیفه‌ات را فراموش نمی‌کنی و به پدر و مادرت کمک می‌کنی؟!  
 (۳) آیا وظیفهٔ خود را فراموش نمی‌کنی و به پدر و مادر کمک می‌کنی؟!  
 (۲) آیا وظایف خود را فراموش نکردی و پدر و مادر را کمک کردی؟!  
 (۴) آیا وظیفهٔ کمک به پدر و مادر را فراموش نکرده‌ای؟!

۳۴- «نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ مُفِيدَةٌ لَنَا!»:

- (۱) ما می‌دانیم که خواندن قرآن و حدیث‌ها و دعاها برای ما مفید است!  
 (۲) من می‌دانم که خواندن قرآن و حدیث‌ها و دعاها مفید است!  
 (۳) ما می‌دانیم اگر قرآن و احادیث و دعا بخوانیم برای ما مفید است!  
 (۴) ما می‌دانیم که اگر قرآن و دعاها و حدیث‌ها را بخوانیم برای ما مفید است!

۳۵- «يَنْظُرُ النَّاسُ صِدْقَ حَدِيثِهِ وَ آدَاءَ أَمَانَتِهِ إِضَافَةً إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِ وَ صَوْمِهِ!»:

- (۱) مردم به راستی گفتار و برگرداندن امانت علاوه بر زیادی نماز و روزه‌اش نگاه می‌کنند!  
 (۲) مردم به راستی سخنش و به‌جا آوردن امانتش علاوه بر بسیاری نماز او و روزه‌اش می‌نگرند!  
 (۳) مردم به گفتار و سخن و برگرداندن امانت علاوه بر نماز و روزه‌اش نگرینند!  
 (۴) مردم سخن او و گفتارش را علاوه بر کمی نماز و روزه‌اش می‌نگرند!

۳۶- «سَأَلَ الْمُدْرَسُ السُّؤَالَيْنِ مِنَ التَّلْمِيذِينَ، كَانَ جَوَابَ أَحَدٍ مِنْهُمَا أَحْسَنَ مِنْ آخَرَ!»:

- (۱) معلم سؤال را از دانش‌آموزان پرسید، پاسخ یکی از آن‌ها بهتر از دیگری است!  
 (۲) معلم از این دو دانش‌آموز سؤال را پرسید، پاسخ هر یک از آن‌ها از دیگری بهتر بود!  
 (۳) معلم از دانش‌آموزان سؤال کرد، یکی از آن دو، بهترین جواب را داد!  
 (۴) معلم دو سؤال را از دو دانش‌آموز پرسید، پاسخ یکی از آن‌ها بهتر از دیگری بود!

۳۷- «عَيْنِ الْخَطَا!»:

- (۱) ما نَجَحَ قَرِيبُنَا فِي كُرَّةِ الْقَدَمِ! تیم ما در فوتبال موفق نشد!  
 (۲) كَانَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْلَمُ قَوْلَ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفَ الْعِلْمِ! امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتار نمی‌دانم نیمی از دانش است را می‌داند!  
 (۳) أَحِبُّ أَنْ أَدْرُسَ! دوست دارم که درس بخوانم!  
 (۴) إِنِّي مَا وَجَدْتُ الْيَأْسَ فِي الْكِبَارِ! به راستی من ناامیدی را در بزرگان نیافتم!

## ۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) إِعْمَلِي لِأَخْرَجْتِكِ كَمَا تَعْمَلِينَ لِدُنْيَاكِ!؛ برای آخرتت کار کن همان‌گونه که برای دنیایت کار می‌کنی!
- (۲) صَدِيقِي يَقُولُ مَا يَفْعَلُ!؛ دوست من چیزی را که می‌گوید انجام نمی‌دهد!
- (۳) «وَأَتَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ»؛ و مانند کسانی نباش که گفتند شنیدیم [در حالی که] آن‌ها نمی‌شنوند.
- (۴) «... وَ أَكْتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ»؛ ... و برای ما در این دنیا و آن دنیا نیکی را بنویس.

## ۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) الْمُؤْمِنُونَ يُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ!؛ مؤمنان با مالشان و جانشان در راه خدا جهاد می‌کنند!
- (۲) مُحَافِظَةُ جِيلَانَ خَضْرَاءَ وَ قَرِيبَةً مِنَ الْبَحْرِ!؛ استان گیلان سرسبز و نزدیک به دریا است!
- (۳) يَشْتَغَلُ التَّلَامِيذُ بِبَيْعِ الصَّحْفِ!؛ دانش‌آموزان به فروش روزنامه مشغول می‌شوند!
- (۴) نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةٍ وَاجِبَاتِهِ!؛ برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌ها صدا زد!

## ۴۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ»؛ هرکس به مردم رحم نکند، خدا هم رحم نمی‌کند.
- (۲) «أَوْجَدَ اللَّهُ ذُو الْجُكَمَةِ الْبَالِغَةَ الْأَنْجَمَ»؛ خداوند صاحب دانش کامل، ستارگان را پدید آورد.
- (۳) «وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛ و کار نیکی انجام دادند؛ همانا من به آن‌چه می‌کنند، آگاهم.
- (۴) «هَلْ تَكْتَبِينَ دُرُوسَكَ فِي أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ؟»؛ آیا درس‌هایتان را در روزهای هفته می‌نویسید؟

## ۴۱- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) «أَحْضِدِ الزَّرْعَ وَ لَا تَبْتَعِدْ مِنْ فَعْلِهِ!»؛ کشت را درو کن و از انجامش دور نشو!
- (۲) «كَانَ الرَّجُلُ يَعْمَلُونَ لِهَدْوِ أَسْرَتِهِمْ!»؛ مردان برای آرامش خانواده‌شان کار می‌کردند!
- (۳) «أَشَجَّعَ أَخِي الصَّغِيرَ فِي الْمَلْعَبِ!»؛ برادر کوچکم را در ورزشگاه تشویق می‌کنم!
- (۴) «سَاعَدْتُ أَحَدَ أَصْدِقَائِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ الدَّرَاسِيَّةِ!»؛ به یکی از دوستانم در به جا آوردن تکالیف درسی کمک کردم!

## ۴۲- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»؛ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید.
- (۲) «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»؛ و حقیقتاً نه نشانه آشکار به موسی بخشیدیم.
- (۳) «أَهْدَيْتُ الْكِتَابَ الْعَاشِرَ إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ!»؛ ده کتاب به کتابخانه مدرسه هدیه کردم!
- (۴) «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا»؛ همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است.

## ۴۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) «يَعُودُ هُوَ لِأَنَّ الْمَعْلَمَاتِ إِلَى مَدَارِسِهِنَّ بَعْدَ فَتْحِهَا!»؛ این معلمان بعد از باز شدن مدرسه‌شان برمی‌گردند!
- (۲) «نَحْنُ نَنْسَى هَذِهِ الْأَشْجَارَ وَ نَقَطَعُهَا بَعْضَ الْأَوْقَاتِ!»؛ ما این درختان را فراموش می‌کنیم و بعضی وقت‌ها آن‌ها را می‌بریم!
- (۳) «أَوْلَئِكَ هُمُ الَّذِينَ يَنْجَحُونَ فِي إِمْتِحَانِهِمْ!»؛ آنان همان کسانی هستند که در امتحاناتشان موفق می‌شوند!
- (۴) «هَذَانِ الرَّجُلَانِ يُكْرِمَانِ الصُّيُوفَ فِي بَيْتَيْهِمَا!»؛ این‌ها دو مردند که میهمانان را در خانه‌شان گرمی می‌دارند!

## ۴۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْمَفْهُومِ فِي آيَةِ «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»:

- (۱) به عمل کار برآید به سخن دانی نیست!
- (۲) الْكَلَامُ قَلِيلٌ يَنْفَعُ وَ كَثِيرَةٌ قَاتِلٌ!
- (۳) قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِضْفُ الْعِلْمِ!
- (۴) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ!

## ۴۵- عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ فِي عِبَارَةِ «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ!»:

- (۱) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است، با دوستان مروت با دشمنان مدارا!
- (۲) از بس که مهر دوست به دل جا گرفته است، جایی برای کینه دشمن نمانده است!
- (۳) جهان از بد و نیک آبستن است، برون دوست است و درون دشمن است!
- (۴) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد، درخت دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد!



## درك مطلب

■ إقرأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ بِمَا يَنَابِسُ النَّصَّ

«صباح أحد الأيام كان سعيدٌ يذهب إلى المدرسة ولما وصل إلى محطة الحافلة رأى صديقه أمام المحطة واقفاً وهو لا يركب! سأله لماذا وقفت هنا؟ قال له لأنني نسيتُ نقودي في البيت ثم أعطاه سعيدٌ بشيءٍ من نقوده وذهب إلى المدرسة معاً.»

٤٦- عَيِّنِ الخَطَأَ حَسَبِ النَّصِّ:

- (١) سعيدٌ و صديقه ما ذهبا إلى المدرسة!  
(٣) سأل سعيدٌ صديقه عن سبب وقوفه!

- (٢) ساعد سعيدٌ صديقه و أعطاه نقوداً!  
(٤) رأى سعيدٌ صديقه أمام محطة الحافلة!

٤٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ النَّصِّ:

- (١) كان صديقٌ سعيدٍ ينسى نقوده دائماً  
(٣) كان نقودٌ سعيدٍ للمساعدة قليلاً

- (٢) سعيدٌ جلسَ جنبَ صديقه و سأله عن حاله!  
(٤) كان صديقٌ سعيدٍ لا يركب دون أجره!

## قواعد

■ عَيِّنِ الْمُنَابِسَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

٤٨- في أيِّ عبارةٍ الإِسْمُ الْمُؤنَّثُ أَكْثَرُ؟

- (١) يا صديقي، إحمل هذه المنضدة!  
(٣) «و ادكروا نعمة الله عليكم»

- (٢) تكتب مريم واجباتها في ثلاث ساعات!  
(٤) الفاكهة تضمن سلامة الجسم!

(ويژه علاقمندان)

٤٩- كم اسماً مؤنثاً جاء في عبارة «قالت المعلمة: إبحثي عن قلعة تاريخية في مدينة ساري في محافظة مازندران!»؟

- (١) أربعة (٢) خمسة (٣) ستة (٤) سبعة

٥٠- عَيِّنِ الْجَمْعَ السَّالِمَ لِلْمُؤنَّثِ (جمع مؤنث سالم):

- (١) أصوات (٢) أوقات (٣) صدقات (٤) أبيات

٥١- عَيِّنِ الْجَمْعَ الْمَذْكَرَ لِلْسَّالِمِ:

- (١) يعمل السائق القوانين! (٢) بشر الله المؤمنين...! (٣) يساعد الناس المساكين! (٤) أجاب التلميذ التمارين!

٥٢- ما هو السؤال غير المناسب عن العبارة؟ «أسافر مع أسرتي بالسيارة إلى إصفهان!»

- (١) أين تسافر؟ (٢) بمن تذهب إلى السفر؟ (٣) لماذا تسافر؟ (٤) بم تسافر إلى إصفهان؟

٥٣- ما هو الجواب المناسب لهذا السؤال؟ «في أي فصل تذهب عند الأقرباء؟»

- (١) أذهب إلى مدرسة أحد أصدقائي للدراسة في الخريف!  
(٣) أنا أذهب إلى المكتبة في فصل الشتاء!  
(٢) أذهب إلى بيت جدتي في الصيف!  
(٤) أذهب إلى الأقرباء عند مرضهم!

٥٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ السُّؤَالِ وَ الْجَوَابِ فِي الْمَعْنَى وَ الْقَوَاعِدِ:

- (١) كم كتاباً في حقيبتك؟ ليست إحدى من كتبي في حقيبتي!  
(٣) ماذا تأكلون في الظهر؟ أكلنا الغداء!  
(٢) ماذا تعمل قبل طلوع الشمس؟ أقوم للصلاة!  
(٤) ما هو لون الغراب؟ لون الغراب أبيض!

٥٥- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) أنتم خرجتم من قاعة مدرستكم!  
(٣) أنت خرجت من قاعة مدرستك!  
(٢) هم خرج من قاعة مدرستهم!  
(٤) أنا خرجنا من قاعة مدرستنا!

٥٦- عَيِّنِ الصَّمِيرَ غَيْرَ الْمُنَابِسِ عَنِ جَوَابِ السُّؤَالِ:

- (١) أين مدرستكم؟ مدرستنا في شارع بهاران!  
(٣) متى تبدأ أنت الدراسة؟ أنا أبدأ اليوم الآتي!  
(٢) هل والدك طهراني؟ لا، هو أهوازي!  
(٤) من هؤلاء اللاعبين؟ أنتم من فريقنا!

٥٧- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) هي يلعب مع صديقتها في الحديقة!  
(٣) هم يجعلون ملاحظتهم في الحقيقة!  
(٢) هما يلبسون لباس الحرب و يذهبون للقتال مع العدو!  
(٤) نحن سوف أكتب تمارين الكتاب بمساعدة المعلم!

۵۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) أولئك المعلمون يدرسون العربية بشكل جيد!  
 (۲) هؤلاء الشجرة التفاحة مثمرة في كل عام!  
 (۳) هذه القلم بلون أحمر وأخضر!  
 (۴) هذان الزجاجتان كسرتا في السنة الماضية!

۵۹- ما هو الخطأ عن الأفعال؟

- (۱) لا نأكل العشاء في الصباح لأننا لا نستطيع أن نعمل جيداً! (فعل نفي، فعل مضارع)  
 (۲) ليم لا تتفكرون في خلق السموات لعلكم تعلمون! (فعل نفي، فعل مضارع)  
 (۳) ربنا أعلم أنك ما خلقت السماوات والأرض عبثاً! (فعل ماضي، فعل نفي)  
 (۴) أنظر إلى الليل فتجد فيه السكون! (فعل امر، فعل مضارع)

۶۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) أطلبن العلم ولو بالعين! (امر، جمع مذكر مخاطب)  
 (۲) نأكل الفطور في الصباح! (مضارع، متكلم مع الغير)  
 (۳) لماذا لا تصعدين من الجبل! (مضارع منفي، جمع مذكر مخاطب)  
 (۴) الطالبان سوف يفرحان في حفلة المدرسة! (مستقبل، مثنى مؤنث غائب)

۶۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَفْعَالِ: «أطرق / تلبس / لا ترقدان / ما قبلت»

- (۱) ماضى / ماضى / مضارع منفي / ماضى  
 (۲) امر / مضارع / مضارع منفي / ماضى منفي  
 (۳) مضارع / مضارع / مضارع نهي / ماضى منفي  
 (۴) مضارع / مضارع / مضارع منفي / ماضى منفي

۶۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ صَبَغِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) كانوا يكتبون / ما نظرتا: جمع مذكر غائب / مثنى مؤنث غائب  
 (۲) ظلمت / تعلمن: مفرد مذكر مخاطب / جمع مؤنث غائب  
 (۳) لا أفعل / لا تجعلوا: متكلم وحده / جمع مذكر غائب  
 (۴) ستنظرين / زرعتن: جمع مؤنث مخاطب / جمع مؤنث مخاطب

۶۳- ما هو الخطأ عن اسم الإشارة؟

- (۱) غرست هذه الشجرة!  
 (۲) هؤلاء الطالبات مجتهدات!  
 (۳) ذلك الرملاء يذهبون إلى المدرسة! (۴) تلك معلمة صفنا!

۶۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ اسْمِ الْإِشَارَةِ؟

- (۱) أجب هؤلاء الثمارين!  
 (۲) أولئك ثبوت خربة!  
 (۳) هذان المؤمنان تعبداً لله!  
 (۴) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد!

۶۵- ما هو الصحيح للفراغين؟ «..... العمال يذهبون ..... الشريكة!»

- (۱) هؤلاء / تلك  
 (۲) ذلك / هذه  
 (۳) أولئك / ذلك  
 (۴) هذان / هذه

۶۶- ما هو الصحيح للفراغات؟ «..... الأخوات ..... واجبت!»

- (۱) هؤلاء / سوف تكتب / بها  
 (۲) تلك / سوف يكتبون / هُنَّ  
 (۳) أولئك / سوف يكتبن / هُنَّ  
 (۴) هذه / سوف يكتب / هُم

۶۷- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ وَزْنِ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفِهَا الْأَصْلِيَّةِ:

- (۱) مختلفة: مُفْتَعِلَةٌ / خ ل ف  
 (۲) أفاضل: فَعَاعِلٌ / ف ض ل  
 (۳) مطهر: مُفْعَلٌ / ط ه ر  
 (۴) غفار: فَعَالٌ / غ ف ر

۶۸- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أنتم تنصرون أصدقائكم!  
 (۲) هم ينصرون أصدقائهم!  
 (۳) أنا أنصُرُ أصدقائي!  
 (۴) أنتن تنصرن صديقاتكن!

۶۹- في أي عبارة ليست صفة؟

- (۱) القرآن هو التور المبيّن!  
 (۲) شعرت بألم شديد!  
 (۳) «إهدنا الصراط المستقيم»  
 (۴) ألعقل للمرء مثل التاج للملك!

۷۰- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا صِفَةٌ وَ مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا:

- (۱) في حديثنا وردة جميلة!  
 (۲) ليس الكاذب فائزاً يوم القيامة!  
 (۳) الكلام قليله نافع!  
 (۴) وجدنا كتاباً مفيداً في المكتبة!

۷۱- في أي عبارة للإسم الواحد صفة و مُضَافٌ إِلَيْهِ مَعًا؟

- (۱) الغيم بخار متراكم في السماء!  
 (۲) الدرر من الأحجار الجميلة الغالية!  
 (۳) إني أحب إخواني المحجدين!  
 (۴) أفضل الناس مجاهد في سبيل الله!

## پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

۱۵ = ۱ «خَلَقَ = أَوْجَدَ: آفرید، پدید آورد». سایر گزینه‌ها: (۲) «الَّتَمَّرَ: میوه» و «الشَّرَّزَةَ: پاره آتش» با هم مترادف نیستند. (۳) «ذَا ≠ ذَاكَ: این ≠ آن» (۴) «نَاجِحٌ ≠ رَاسِبٌ: موفق، قبول ≠ مردود»

۱۶ = ۲ «رنگ کلاغ، سیاه است!». سایر گزینه‌ها: (۱) سفید (۳) زرد (۴) آبی.

۱۷ = ۱ «ابر، بخاری فشرده در آسمان است که از آن برف می‌بارد!». سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۲) بادی - باران (۳) تگه‌ای - ابر (۴) مرواریدی - ستاره

۱۸ = ۲ ترجمه عبارت: «سخن مانند دارو است، اندکش سود می‌رساند و زیادش کشنده است!»

۱۹ = ۲ عدد «الواحد: یک» از اعداد اصلی است نه ترتیبی. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) اخگر پاره‌ای از آتش است! (۳) یک دور از عقربه‌های ساعت، دوازده تمام است! (۴) هشت از اعداد اصلی است.

۲۰ = ۳ روز شنبه، قبل از دوشنبه و بعد از پنجشنبه نیست؛ بنابراین درست آن می‌شود «يَوْمَ السَّبْتِ قَبْلَ يَوْمِ الْأَحَدِ وَ بَعْدَ الْجُمُعَةِ.»

۲۱ = ۳ هر سه در مورد مکان هستند: «آزمایشگاه، رستوران، ورزشگاه» در سایر گزینه‌ها عدم تناسب وجود دارد: (۱) «رایانه» متناسب با «خلبان - فروشنده» که شغل هستند، نمی‌باشد. (۲) «رجل: پا» متناسب با «پدر - برادر» که از اعضای خانواده هستند، نمی‌باشد. (۴) «جَبْنَةٌ: پنیر» متناسب با «انگور - انار» که میوه هستند، نمی‌باشد.

۲۲ = ۲ جمع مکسر در سایر گزینه‌ها: (۱) «أمتار»، جمع مکسر و مفرد آن «متر» (۳) «الْأولَوانُ» جمع مکسر و مفرد آن «اللون» (۴) «إخوان» جمع مکسر و مفرد آن «أخ: برادر»

۲۳ = ۴ در سایر گزینه‌ها تضاد وجود دارد: (۱) «زَرَعٌ: کاشت ≠ حَصَدٌ: درو کرد» (۲) «الطَّاعَةُ: اطاعت ≠ الْمُعَصِيَةُ: گناه» (۳) «الْأرَادِلُ: فرومایگان ≠ الْأَفْاضِلُ: شایستگان»

۲۴ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لَا تَنْظُرُوا: نگاه نکنید» فعل مضارع نهی و جمع است - «المُسْتَعْرَبَةُ» به معنی «فروزان» است.

۲۵ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل ماضی «شَقَّ: شکافت» - فعل مضارع «يَنْظُرُ: می‌بیند» - ضمیر «هو: او» - اسم‌های جمع مکسر «الْأَنْجُمُ: ستارگان» - «الْمَنَاطِرُ: منظره‌ها» - موصوف و صفت «الْمَنَاطِرُ الْجَمِيلَةُ: منظره‌های زیبا».

۱ = ۳ ترجمه عبارت: «خداوند زمین را بعد از غبارآلودگی به وسیله باران سرسبز گردانید!»

۲ = ۴ ترجمه عبارت: «انسان با نیرویی اندیشمند کارها را انجام می‌دهد!»

۳ = ۳ ترجمه عبارت: «من، نماز و روزه را انجام می‌دهم زیرا این دو از واجبات دینی هستند.»

۴ = ۲ «إِجْعَلْ: قرار بده» فعل امر است. ترجمه آیه «برای من یاد نیکو در میان آیندگان قرار بده.»

۵ = ۲ «الَّتَمَّرَةَ: تر و تازه». سایر گزینه‌ها با «الشَّمْسُ: خورشید» تناسب دارند: (۱) پاره آتش (۳) حرارت (۴) پاره آتش

۶ = ۱ «شب، روشنی نیست بلکه ظلمة: تاریکی» است! سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۲) خورشید فروزان است! (۳) نعمت‌ها ریزان هستند! (۴) شاخه‌ها تر و تازه هستند!

۷ = ۲ «در جواب شخصی که از من پرسید: تو چطور می‌گفتی؟ خوب هستم و سپاس برای خداست (خوب، شکر خدا)!» سایر گزینه‌ها مناسب جواب نیستند: (۱) من به نجف اشرف می‌روم! (۳) صبح به خیر! (۴) بیخوشید، حال شما چطور است!؟

۸ = ۳ «با دوستانم به کوه رفتم که ابر همه مکان‌ها را پوشاند و باران بارید!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۱) پاره آتش (۲) ستاره (۴) هوا

۹ = ۴ «مروارید همان سنگ زیبای گران دارای رنگ سفید است!» سایر گزینه‌ها مناسب جای خالی نیستند: (۱) نقره (۲) ماه (۳) طلا

۱۰ = ۱ ترجمه عبارت: «روزهای هفته، هفت تاست و روز دوم روز یکشنبه است!»

۱۱ = ۴ ترجمه عبارت: «ماه دور خورشید می‌چرخد و آن را در شب می‌بینیم!»

۱۲ = ۴ «الرَّزْزُ: برنج». ترجمه عبارت با سایر گزینه‌ها: «همانا بیشتر مردم در ایران، (۱) شیر، (۲) نان، (۳) کره را در صبحانه می‌خورند!»

۱۳ = ۴ این دو کلمه مترادف هستند «نَامٌ = رَقْدٌ: خوابید». سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) می‌میرد ≠ زندگی می‌کند (۲) گران ≠ ارزان (۳) غمگین ≠ خوشحال

۱۴ = ۴ مفرد «أَفْضَلُ: شایستگان»، «أَفْضَلُ» می‌باشد. سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۱) وُجُوهُ: چهره‌ها (۲) مَفَاتِيحُ: کلیدها (۳) أَبْوَابُ: درها

۲۶ ۴ به این موارد در ترجمه عبارت توجه شود: فعل امر «قُلْ: بگو» - فعل مستقبل «سَنَعْمَلُ: کار خواهیم کرد» فعل مضارع «قَدْ نَبَيُّ: گاهی ... باقی می‌مانیم» - اسم‌های جمع مکسر «الْأَجَانِبُ: بیگانگان - بَصَائِعُ: کالاها - مَصَانِعُ: کارخانه‌ها» و ضمیر متصل «نا - مان»

۲۷ ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «تَدَوَّرُ: می‌چرخد» فعل مضارع و فاعل (الأرض: زمین) است - فعل «يَنْتَفِعُ: بهره می‌برند» به خاطر «كُلُّ الموجودات» به صورت جمع ترجمه می‌شود - ضمیر متصل «ها» در «حَرَارَتُهَا: حرارت آن، حرارتش» و «نورِها: نور آن، نورش»، در سایر گزینه‌ها برخی از این موارد رعایت نشده‌اند.

۲۸ ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل امر «ادْخُلُوا: داخل شوید» - فعل نهی «لا تَخْرُجُوا: خارج نشوید» - فعل امر «أَخْرَجُوا: خارج شوید» - عدد ترتیبی در «الباب الأول: در اول» - در ترجمه ترکیب وصفی اضافی «بایه الآخر: در دیگر آن» اول صفت و بعد مضاف‌إلیه می‌آید.

۲۹ ۳ این عبارت دو بخش دارد: بخش اول جمله، فعل منفی است که به آن ضمیر متصل چسبیده است و فاعل آن خداست؛ «و ما ظَلَمَهُمُ اللّهُ» و خدا به آن‌ها ستم نکرد» و بخش دوم جمله، فعل ماضی استمراری است «كانوا... يظلمون: ستم می‌کردند».

۳۰ ۳ مواردی که در ترجمه باید به آن توجه شود: فعل: «كَانَ يَطْلُبُ: می‌خواست» (ماضی استمراری) - فعل مضارع با حرف «أَنْ» بر سر آن که به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود «أَنْ يَدْخُلُوا: وارد شوند، داخل شوند» - اسم از نظر تعداد: «الزَّائِرِينَ: زیارت‌کنندگان، زائران». در گزینه‌های دیگر بعضی از این کلمات درست ترجمه نشده‌اند.

۳۱ ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: اسم اشاره بر سر اسم «ال» دار آمده است؛ بنابراین «هَذَانِ» با اینکه مثنی است، به صورت مفرد یعنی «این» ترجمه می‌شود - اسم از نظر تعداد: «الطَّالِبَانِ: دانش‌آموزان، دو دانش‌آموز» - تَمَارِينُ: تمرین‌ها، تمرینات - فعل مضارع «يَكْتَبَانِ: می‌نویسند».

۳۲ ۲ باید به فعل‌ها توجه شود: فعل مضارع سوم شخص «تَخْتَبِرُ: آزمایش می‌کنند» که با توجه به «الطَّالِبَاتُ: دانش‌آموزان» جمع ترجمه می‌شود - فعل مضارع منفی «لا يَصِلْنَ: نمی‌رسند».

۳۳ ۳ در این عبارت باید به ترجمه فعل‌ها و اسم و هم‌چنین ضمیر متصل توجه شود: «لا تَسْأَلُنِي: فراموش نمی‌کنی - تُسَاعِدُ: کمک می‌کنی»، «واجبتك: وظیفه‌ات، وظیفه خود» در سایر گزینه‌ها بعضی از این کلمات درست ترجمه نشده‌اند.

۳۴ ۱ به این موارد در ترجمه عبارت توجه شود: ضمیر «نَحْنُ: ما» - ضمیر متصل «نا» در «لَنَا: برای ما» - اسم‌ها از نظر تعداد و ترتیب آن‌ها «الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ وَ الْأَدْعِيَّةُ: قرآن و حدیث‌ها و دعاها» - معنی مصدری «قِرَاءَةُ: خواندن» - فعل مضارع «نَعْلَمُ: می‌دانیم».

۳۵ ۲ در این عبارت باید به ترجمه فعل و ضمیر متصل (ه) توجه شود: فعل مضارع سوم شخص مفرد «يَنْظُرُ: می‌نگرند، نگاه می‌کنند» که با توجه به «النَّاسُ» جمع ترجمه می‌شود - «حَدِيثُهُ: سخنش / اَمَانَتُهُ: امانتش / صَلَاتِهِ: نماز او، نمازش / صَوْمِهِ: روزه‌اش»

۳۶ ۴ به این موارد در ترجمه عبارت توجه شود: اسم مثنی «السُّؤَالَيْنِ: دو سؤال»، «التَّلْمِيزَيْنِ: دو دانش‌آموز، دانش‌آموزان» - فعل «كَانَ: بود» - اسم بر وزن «أَفْعَلُ» که بعد از آن حرف «مِنْ» آمده است: «أَحْسَنَ مِنْ: بهتر از» و کلمه «آخِر» به معنی «دیگری».

۳۷ ۲ فعل «كَانَ ... يَعْلَمُ» باید ماضی استمراری ترجمه شود؛ بنابراین «می‌دانست» برای آن صحیح است. سایر گزینه‌ها درست ترجمه شده‌اند.

۳۸ ۱ شکل درست خطاها در ترجمه سایر گزینه‌ها: (۲) فعل «يَقْعَلُ» مثبت است؛ بنابراین ترجمه آن «انجام می‌دهد» می‌باشد. (۳) «لا تَكُونُوا» فعل نهی و دوم شخص جمع است و ترجمه آن «نباشید» می‌باشد. (۴) ترجمه «الْآخِرَةَ»، «آن دنیا» نمی‌شود و همان «آخرت» می‌باشد.

۳۹ ۲ شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) أموالهم و أنفُسهم: مال‌هایشان و جان‌هایشان (۳) الصَّخْفُ: روزنامه‌ها (۴) نادَيْتُ: صدا زدم - واجباته: تکلیف‌هایش

۴۰ ۲ شکل درست خطاها در ترجمه سایر گزینه‌ها: (۱) ضمیر متصل در فعل باید ترجمه شود «لا يَرْحَمُهُ: خدا به او رحم نمی‌کند» و هم‌چنین، کلمه «هم» در ترجمه اضافه آمده است. (۳) فعل امر «إِعْمَلُوا» به معنی «انجام دهید» و فعل مضارع دوم شخص جمع «تَعْمَلُونَ» به معنی «می‌کنید، انجام می‌دهید» است. (۴) فعل مضارع دوم شخص مفرد «تَكْتَبِينَ» به معنی «می‌نویسی» و ضمیر متصل در «دُرُوسِكِ» به معنی «درس‌هایت» است.

۴۱ ۴ ضمیر متصل در ترکیب وصفی اضافی «واجباته الدَّرَاسِيَّةُ: تکالیف درسی‌اش» ترجمه نشده است. ترجمه فعل‌ها و ترکیب‌های اضافی و وصفی در سایر گزینه‌ها صحیح هستند.

۴۲ ۳ «العاشِر» عدد ترتیبی است؛ بنابراین «الْكِتَابُ الْعَاشِرُ» به معنی «کتاب دهم» است. اعداد در سایر گزینه‌ها اصلی هستند.

۴۳ ۲ در این سؤال معنی اسم‌های اشاره هدف اصلی است و معنی فعل‌ها و ضمائر و اسم‌ها در کنار آن قرار می‌گیرند. شکل درست خطاها در سایر گزینه‌ها: (۱) یَعُوذُ... إلى مدارسهنّ؛ به مدرسه‌هایشان برمی‌گردند. فَتَحِيهَا؛ باز شدن آن‌ها (۳) إمتحانهم؛ امتحانشان (۴) هَذَانِ الرَّجُلَانِ؛ این دو مرد - حرف «که» اضافه آمده است.

۴۴ ۱ باتوجه به ترجمه آیه در صورت سؤال «چرا چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟»، که به عمل نکردن به گفته‌ها اشاره دارد، با عبارت «به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست!» از نظر مفهوم متناسب است. سایر گزینه‌ها مفهوم آیه را نمی‌رسانند: (۲) سخن اندک‌ش سود می‌رساند و زیادش کشنده است! (۳) گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است! (۴) هرچه را از خوبی انجام دهید، خداوند آن را می‌داند!

۴۵ ۴ حدیث در صورت سؤال «هر کس دشمنی بکارد زبان درو می‌کند» به عدم دشمنی با دیگران تأکید می‌کند و این‌که دشمنی ضرر و زیان به دنبال دارد، بنابراین با مفهوم گزینه متناسب دارد که بر دوستی با دیگران اشاره شده است و دشمنی را به خاطر رنج بعد از آن کاملاً رد می‌کند.

درک مطلب: صبح یکی از روزها سعید به مدرسه می‌رفت و هنگامی که به ایستگاه اتوبوس رسید دوستش را جلوی ایستگاه دید که ایستاده در حالی که او سوار نمی‌شد. او از پرسید برای چه این‌جا ایستادی؟ به او گفت برای این‌که من پول‌هایم را در خانه فراموش کردم سپس سعید چیزی (مقداری) از پول‌هایش را به او داد و با هم به مدرسه رفتند.

۴۶ ۱ با توجه به ترجمه و مفهوم متن «سعید و دوستش به مدرسه رفتند.» سایر گزینه‌ها صحیح هستند: (۲) سعید به دوستش کمک کرد و به او پولی داد. (۳) سعید از دوستش درباره علت ایستادنش پرسید. (۴) سعید دوستش را جلوی ایستگاه اتوبوس دید.

۴۷ ۴ «دوست سعید بدون کرایه سوار نمی‌شد.» سایر گزینه‌ها خطا هستند: (۱) دوست سعید همیشه پولش را فراموش می‌کرد! (۲) سعید کنار دوستش نشست و از حالش پرسید! (۳) پول‌های سعید برای کمک کم بود!

۴۸ ۲ اسم‌های مؤنث: «مَرَبِّمُ، واجبات (واجبة)، ساعات (ساعة)». در سایر گزینه‌ها: (۱) «الْمُنْصَدَّةُ». البته «هَذِهِ» اسم اشاره و مفرد مؤنث است. (۳) «نِعْمَةٌ» (۴) «الْفَاكِهِةُ، سلامة»

۴۹ ۴ اسم‌های مؤنث هفت‌تاست: «المُعَلِّمَةُ، قَلْعَةٌ، تَارِيخِيَّةٌ، مَدِيْنَةٌ، سَارِي، مُحَافِظَةٌ، مازندران». شهرها و کشورها هم جزء اسم‌های مؤنث هستند که در قسمت ویژه علاقمندان گفته شده است.

۵۰ ۳ «صَدَقَات» جمع مؤنث سالم از «صَدَقَةٌ» است. در سایر گزینه‌ها، حرف «ت» در آخر کلمات، حرف اصلی است؛ بنابراین جمع مکسر می‌باشند: «أصوات ← صَوْت / أوقات ← وَقْتُ / أبيات ← بَيْت»

۵۱ ۲ «الْمُؤْمِنِينَ» جمع مذکر سالم از «الْمُؤْمِن» است و علامت «يَنْ» به آخر اسم مفرد اضافه شده است. در سایر گزینه‌ها، جمع از تغییر و شکستن اسم مفرد ساخته شده و «ن» حرف اصلی است بنابراین جمع مکسر هستند: «الْقَوَانِين ← الْقَانُون / الْمَسَاكِين ← الْمِسْكِين / التَّمَارِين ← التَّمْرِين»

۵۲ ۳ سؤال مناسبی نیست چون در عبارت «همراه خانواده‌ام با خودرو به اصفهان مسافرت می‌کنم» علت مسافرت بیان نشده است. سؤالات گزینه‌های دیگر مناسب عبارت هستند: (۱) کجا مسافرت می‌کنی؟ (۲) با چه کسی به سفر می‌روی؟ (۴) با چه چیزی به اصفهان مسافرت می‌کنی؟

۵۳ ۲ با توجه به پرسش «در چه فصلی نزد خویشاوندان و نزدیکان می‌روی؟»، مناسب‌ترین جواب «در فصل تابستان به خانه مادربزرگم می‌روم!» می‌باشد. سایر گزینه‌ها: (۱) در پاییز برای تحصیل به مدرسه یکی از دوستانم می‌روم! (۳) من در فصل زمستان به کتابخانه می‌روم! (۴) هنگام بیماری خویشاوندان، نزدشان می‌روم!

۵۴ ۲ سؤال: قبل از طلوع خورشید چه کار می‌کنی؟ جواب: برای نماز برمی‌خیزم. در سایر گزینه‌ها جواب صحیح نیست. (۱) چند کتاب در کیفیت است؟ یکی از کتاب‌هایم در کیفم نیست! (۳) در ظهر چه چیزی می‌خورید؟ ناهار خوردیم! (اگر سؤال با فعل مضارع باشد، جواب نیز باید با فعل مضارع داده شود «نَأْكُلُ الْعَدَاءُ!» (۴) رنگ کلاغ چیست؟ رنگ کلاغ سفید است!

۵۵ ۱ ضمیر منفصل «أنتم» و متصل «کم» با فعل مطابقت دارند. در سایر گزینه‌ها این مطابقت وجود ندارد: (۲) فعل مناسب برای ضمیر «هم» «حَرَجُوا» می‌باشد. (۳) فعل مناسب برای ضمیر «أنت»، «حَرَجْتِ» و ضمیر متصل مناسب آن «لِکِ ← مَدَرَسَتِکِ» می‌باشد. (۴) فعل مناسب برای ضمیر «أنا»، «حَرَجْتُ» و ضمیر متصل آن «ي ← مَدَرَسَتِي» می‌باشد.

۵۶ ۴ اسم اشاره در سؤال به سوم شخص اشاره دارد «این بازیکنان چه کسانی هستند؟» و جواب آن با سوم شخص باید داده شود «هم من فریقنا! ایشان از تیم ما هستند!». در جواب سایر گزینه‌ها ضمیر مناسب برای سؤالات به کار رفته است: (۱) مدرسه شما کجاست؟ مدرسه ما در خیابان بهاران است! (۲) آیا پدرت طهرانی است؟ نه، او اهوازی است! (۳) چه وقت تو درس خواندن را شروع می‌کنی؟ من روز آینده شروع می‌کنم!

۶۴ ۴ شکل درستِ خطا در سایر گزینه‌ها: اسم اشاره برای جمع غیرعاقل (غیرانسان)، به صورت مفرد مؤنث می‌آید، بنابراین در گزینه ۱، برای اشاره به «آلتمارین»، «هذیه» و در گزینه ۲، برای اشاره به «بیوت»، «تِلک» مناسب می‌باشد. در گزینه ۳، «المؤمّتان» مثنی و مؤنث است و اسم اشاره مناسب آن «هاتان» می‌باشد.

۶۵ ۱ «العَمَّال» جمع عاقل است و اسم اشاره آن می‌تواند «هؤلاء» / «أولئك» باشد (ردّ گزینه ۲ و ۴)، «الشَّرِکَة» مفرد مؤنث است و اسم اشاره مناسب آن می‌تواند «هذه» / «تِلک» باشد (ردّ گزینه ۳).

۶۶ ۳ در این عبارت تعیین‌کننده «الأخوات: خواهران» است که جمع مؤنث سالم می‌باشد و تمام کلمات جای خالی باید جمع مؤنث باشند.

۶۷ ۲ «أَفْضَل» جمع مکسر است و سه حرف اصلی آن «ف ض ل» می‌باشد و کافی است که «فعل» را زیر سه حرف اصلی قرار دهیم و حروف زائد را به آن اضافه کنیم تا وزنش به دست آید؛ بنابراین وزن «أَفْضَل»، «أَفَاعِل» می‌شود.

۶۸ ۱ در این سؤال تناسب فعل با ضمیر در نظر گرفته شده است. در گزینه ۱ فعل مناسب برای ضمیر «أنتم»، «تَنْصُرُونَ» می‌باشد البته ضمیر متصل «کم» به طور صحیح آمده است. در سایر گزینه‌ها، تناسب جمله رعایت شده است.

۶۹ ۴ صفت در سایر گزینه‌ها: (۱) «المَبِين» صفت برای «التَّوَر» (۲) «شَدِيد» صفت برای «ألم» (۳) «المُسْتَقِيم» صفت برای «الصَّرَاط».

۷۰ ۱ «حَدِيقَتِنَا: مضاف و مضاف‌الیه» و «وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ: موصوف و صفت» در سایر گزینه‌ها هر دو با هم وجود ندارد: (۲) یَوْمَ الْقِيَامَةِ: مضاف و مضاف‌الیه (۳) قَلِيلَةٌ: مضاف و مضاف‌الیه (۴) كِتَابًا مُفِيدًا: موصوف و صفت

۷۱ ۳ کلمه «إخوان» هم مضاف‌الیه (ی) و هم صفت (المُجَدِّين) دارد «إخواني المُجَدِّين: برادرانِ کوشایم». در سایر گزینه‌ها: (۱) يُخَارُ مَتْرَاكَم: موصوف و صفت (۲) «الأحجار» به عنوان موصوف دو صفت دارد، صفت اول «الْجَمِيلَة» و صفت دوم «الْغَالِيَة». (۴) أَفْضَلُ النَّاسِ: مضاف و مضاف‌الیه و سَبِيلُ اللَّهِ: مضاف و مضاف‌الیه

۵۷ ۳ مطابقت ضمیر «هم» با فعل مضارع رعایت شده است. در سایر گزینه‌ها این مطابقت وجود ندارد: (۱) فعل مناسب برای ضمیر «هي»، «تَلَعَبَ» می‌باشد. (۲) فعل‌های مناسب برای ضمیر «هُمَا»، «يَلْبَسَانِ» و «يَذْهَبَانِ» می‌باشند. (۴) فعل مناسب برای ضمیر «نَحْنُ»، «سَوْفَ نَكْتُبُ» است.

۵۸ ۱ مطابقت اسم اشاره با مُشَارِئِیْهِ (المُعَلَّمُونَ) و فعل بعد از آن رعایت شده است. در سایر گزینه‌ها تناسب جمله رعایت نشده است: (۲) برای اشاره به اسم «الشَّجَرَة»، باید «هذه» بیاید. (۳) برای اشاره به اسم مذکر «القلم»، باید «هذا» بیاید. (۴) برای اشاره به «الزَّجَاجَتَانِ» باید از «هاتان» استفاده شود.

۵۹ ۳ فعل «أَعْلَمَ: می‌دانم» مضارع اول شخص مفرد است. فعل‌های سایر گزینه‌ها درست بیان شده‌اند: (۱) «لَا تَأْكُلُ و لَا تَسْتَطِيعُ» فعل نفی، «نَعْمَلُ» فعل مضارع (۲) «لَا تَتَفَكَّرُونَ» فعل نفی و «تَعْلَمُونَ» فعل مضارع (۴) «أَنْظُرُ» فعل امر و «تَجِدُ» فعل مضارع هستند.

۶۰ ۲ نوع و صیغه فعل در سایر گزینه‌ها: (۱) أُطَلِّبُ: امر، جمع مؤنث مخاطب (۳) لَا تَصْعَدِينَ: مضارع منفی، مفرد مؤنث مخاطب (۴) سَوْفَ يَفْرَحَانِ: مستقبل، مثنای مذکر غایب

۶۱ ۴ أُطْرُقُ: مضارع، متکلم‌وحده / تَلْبَسُنَ: مضارع، جمع مؤنث مخاطب / لَا تَرْقُدَانِ: مضارع منفی، مثنای مذکر یا مؤنث مخاطب / مَا قَبِلْتُ: ماضی منفی، متکلم‌وحده

۶۲ ۱ شکل صحیح صیغه فعل‌ها در سایر گزینه‌ها: (۲) ظَلَمْتَ: ماضی، مفرد مؤنث مخاطب (۳) لَا تَجْعَلُوا: مضارع نهی، جمع مذکر مخاطب (۴) سَتَنْظُرِينَ: مستقبل، مفرد مؤنث مخاطب است.

۶۳ ۳ «الزَّمَلَاءُ: هم‌شاگردی‌ها» جمع مکسر عاقل (انسان) است و برای اشاره دور آن باید «أولئك» آورده شود. در سایر گزینه‌ها اسم اشاره به‌طور صحیح به‌کار رفته است: (۱) «الشَّجَرَة» مفرد مؤنث و اسم اشاره «هذه» مناسب آن می‌باشد. (۲) «الطَّالِبَاتُ» جمع عاقل (انسان) و اسم اشاره «هؤلاء» مناسب آن است. (۴) «مُعَلِّمَةٌ» مفرد مؤنث است و اسم اشاره «تِلک» مناسب آن می‌باشد.



# اول

# سوالات امتحانی درس

**الف** ترجمه عبارات التالية: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۱- مَنْ يُوْجِدُ الْعَيْمَ وَيُنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرَ فَيَصَيِّرُ الْأَرْضَ بِهِ خَضِرَةً؟
- ۲- يَسْأَلُ الطَّالِبُ مُعَلِّمَهُ: كَيْفَ تَنْمُو حَبَّةٌ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً؟
- ۳- خَلَقَ اللَّهُ الشَّمْسَ فِي السَّمَاءِ لِلضَّيَاءِ.
- ۴- كَانَ الْقَمَرُ فِي وَسْطِ السَّمَاءِ وَ رَأَيْتُ الْأَنْجُمَ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ حَوْلَهُ.
- ۵- اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَنْعَمَهُ لِكُلِّ الْمَوْجُودَاتِ كَثِيرَةً.
- ۶- إِبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ يَخْرُجُ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَةَ؟
- ۷- أَنَا وَ مِيلَاتِي جَهَنَّا أَنْفُسَنَا لِلإِمْتِحَانَاتِ النَّهَائِيَّةِ.
- ۸- أَقْطَعُ غُصُونِ الشَّجَرَةِ الَّتِي لَيْسَتْ لَهَا ثَمَرَةٌ.
- ۹- عَلَيْنَا الشُّكْرُ لِلأَنْعَمِ الْكَثِيرَةِ فِي الطَّبِيعَةِ.
- ۱۰- الشَّمْسُ فِي الصَّيْفِ حَرَارَتُهَا مُنْتَشِرَةٌ فِي كُلِّ مَكَانٍ.
- ۱۱- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ الْقَمَرَ؟
- ۱۲- «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...»
- ۱۳- قَرَأْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قَوْلَ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.
- ۱۴- حَدَّثَ تَعَارُفُ الرَّائِرِ مَعَ أَحَدِ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ.
- ۱۵- خَلَقَ اللَّهُ الْمَرْءَ وَ شَقَّى فِيهِ الْبَصَرَ.
- ۱۶- أَلْقَمَرٌ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ۱۷- سَارَ الرَّائِرُ مِنْ إِيْرَانِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ وَصَلَ إِلَى كَرْبَلَاءَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.
- ۱۸- نَفَعَلْ مُرَاجَعَةً دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ فِي الدَّرْسِ الْأَوَّلِ مِنَ الْكِتَابِ الْعَاشِرِ.
- ۱۹- أَلْتَهَاهُ أَطْوَلَ مِنَ اللَّيْلِ فِي فَصْلِ الصَّيْفِ.
- ۲۰- الْمُؤْمِنُ يَعْمَلُ لِذُنْيَاهُ كَأَنَّهُ يَعِيشُ أَبَدًا وَ يَعْمَلُ لِآخِرَتِهِ كَأَنَّهُ يَمُوتُ غَدًا.

**ب** ترجمه الكلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

- ۲۱- اللَّهُ جَهَّزَ الْإِنْسَانَ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ.....
- ۲۲- الْخَضِرَةُ بَعْدَ إِغْبَارِ الْأَرْضِ.....
- ۲۳- الشَّمْسُ جَدُّوْتُهَا مُسْتَعِرَةٌ.....
- ۲۴- الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ..... / .....
- ۲۵- اللَّهُ ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَقَّةِ.....
- ۲۶- كَيْفَ صَارَتْ حَبَّةٌ شَجَرَةً.....
- ۲۷- ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ.....
- ۲۸- مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ..... / .....

**ج** اكتب مفرد أو جمع الكلمات: (مفرد یا جمع کلمه‌ها را بنویس.)

- ۲۹- جَبَلٌ: ..... ۳۰- أَرْضٌ: ..... ۳۱- أَدِلَّةٌ: ..... ۳۲- مَلَابِسٌ: .....

**د** اكتب في الفراغات الكلمات المترادفة والمتضادة: (در جاهای خالی کلمات مترادف و متضاد را بنویس.) = ≠

رأى / نرى / رأى / باهنگام / باهنگام / باهنگام / باهنگام

- ۳۳- ..... = ..... ۳۴- ..... ≠ ..... ۳۵- ..... = ..... ۳۶- ..... ≠ .....

**ه** اكتب الفراغ في الترجمة: (جای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۳۷- مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمَرَةً.
- ۳۸- «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ»
- ۳۹- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ... .
- ۴۰- لِرَحْمٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
- ۴۱- «رَبَّنَا لِأَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»
- ۴۲- «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

**و** عيّن الترجمة الصحيحة: (ترجمه صحیح را مشخص کن.)

- ۴۳- كَانَتِ التَّلْمِيذَةُ تَكْتُبُ دُرُوسَهَا.
- ۴۴- دَهْنًا مَعَ أُسْرَتِي إِلَى الْعَابَةِ وَ قَالُوا: لَا تَقْطَعُوا الْأَشْجَارَ.
- ۴۳- دانش آموز درس‌هایش را می‌نویسد.
- ۴۴- با خانواده‌ام به جنگل رفتم و گفتند: درختان جنگل را قطع نمی‌کنید.
- ۴۳- دانش آموز درس‌هایش را می‌نوشت.
- ۴۴- با خانواده‌ام به جنگل رفتیم و گفتند: درختان را قطع نکنید.

۴۵- إذا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

هرگاه (۱. شایستگان  ۲. فرومایگان ) به فرمانروایی رسیدند؛ (۱. فرومایگان  ۲. شایستگان ) هلاک شدند.

۴۶- الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. سخن مانند دارو است، ...

(۱) اندکش سود می‌رساند و بسیارش کشنده است.  (۲) اندکش شفا می‌دهد و بسیارش کشنده است.

۴۷- أَدْخَلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ لَا تَخْرُجُوا مِنْ بَابِهَا الثَّانِي.

از (۱. یک در  ۲. درِ اول ) به مدرسه وارد شوید و از (۱. دو در آن  ۲. در دوم آن ) خارج نشوید.

۴۸- «نَظَرْتُ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَهُ».

به آن چه گفته است (۱. بنگر  ۲. می‌نگرم ) و به آن که گفته است (۱. نمی‌نگرم  ۲. ننگر )

**ز** صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجُمَةِ: (خطاها را در ترجمه درست کن.)

۴۹- أَوْجَدَ اللَّهُ التَّبَاتِثَ مِنَ الْأَرْضِ. خداوند گیاهان را از زمین پدید می‌آورد. (۱ خطا)

۵۰- أَنْظَرُ إِلَى قُدْرَةِ اللَّهِ وَ قُلِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ. به قدرت خداوند نگاه کرد و گفت سپاس برای خداست. (۲ خطا)

۵۱- اللَّهُ يَزِينُ الْأَشْجَارَ بِالْأوراقِ الْمُلَوَّنَةِ فِي الْخَرِيفِ. خداوند درختان را با برگ‌های سبز در تابستان زینت می‌دهد. (۲ خطا)

**ح** ضَعِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ عَلَى حَسَبِ الْمَعْنَى: «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ». (برحسب معنی در جای خالی کلمه مناسب را قرار بده.) «یک کلمه اضافه است.»

السَّحَابُ / أَحْمَرُ / السَّمْسُ / الْأَدْرُؤُ / الشَّرْرَةُ

۵۲- لَوْنُ الرُّمَانِ ..... ۵۴- ..... قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

۵۳- ..... مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ. ۵۵- ..... بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ.

**ط** تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ وَ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيِبَ: (این فعل‌ها و جمله‌ها و ترکیب‌ها را ترجمه کن.)

۵۶- سَوْفَ يَكْتُبُ: ..... ۶۳- لَا أَرْقُدُ: .....

۵۷- تَدْخُلُنَ: ..... ۶۴- كَانَتْ تَكْشِفِينَ: .....

۵۸- غَيَّرُوا: ..... ۶۵- لَا تَكْتُبُ: .....

۵۹- مَا قَبَّلَ: ..... ۶۶- يَصْعَدَانِ: .....

۶۰- هُوَ لَاءِ طَالِبَاتٍ: ..... ۶۷- أَوْلَيْكَ الْمُعَلِّمُونَ: .....

۶۱- هَذَا الصِّدِيقَانِ: ..... ۶۸- هَاتَانِ فَائِزَتَانِ: .....

۶۲- تِلْكَ شَجَرَةٌ: ..... ۶۹- هَذِهِ الْبُيُوتُ: .....

**ث** كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: (جای خالی را با کلمه مناسب کامل کن.)

۷۰- ..... يَدْوُرُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ. (هم  هُنَّ ) ۷۴- التَّلْمِيذَاتُ ..... بِصَوْتٍ مَرْتَفِعٍ. (مضارع مناسب از «صَرَخَ»)

۷۱- أَنْتُمْ ..... كِتَابَ الْعَرَبِيِّ. (تَقْرَأْنَ  تَقْرَوُونَ ) ۷۵- الْفَصْلُ الرَّابِعُ مِنَ السَّنَةِ هُوَ فَصْلُ ..... (السَّيِّئُ  الْخَرِيفِ )

۷۲- يَا سَعِيدُ وَ حَمِيدُ ..... دَرُوسَكُمَا. (أَكْتَبَا  كَتَبَا ) ۷۶- تَأْكُلُ ..... فِي اللَّيْلِ. (العشاء  الغداء )

۷۳- لَا ..... هَذِهِ الشَّجَرَةُ. (فعل نهی از «تَقْرَبَانِ») ۷۷- ..... مَجَلَّةٌ. (هذا  هذه )

**ك** أُكْتُبُ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ وَ حُرُوفِهَا الْأَصْلِيَّةَ: (وزن کلمات و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

۷۸- «سَتَّارٌ، سَاتِرٌ» ..... ۸۰- «مِصْبَاحٌ، صَبَاحٌ» .....

۷۹- «شُكُورٌ، شَاكِرٌ» ..... ۸۱- «أَعْمَالٌ، مَعْمُولٌ» .....

**ل** أُكْتُبْ جَوَابًا مُنَاسِبًا عَنِ السُّؤَالَاتِ: (درباره سؤالات جوابی مناسب را بنویس.)

۸۲- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟ ۸۸- بِمَ تُسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟

۸۳- مَتَى مَوْعِدُ أَذَانِ الصَّبْحِ؟ ۸۹- كَيْفَ قَلَمًا فِي حَقِيبَتِكَ؟

۸۴- مَنْ ذَلِكَ الْوَلَدُ؟ ۹۰- لِمَنْ هَذَا الدَّفْتَرُ؟

۸۵- مَاذَا تَأْكُلُ فِي الظُّهْرِ؟ ۹۱- كَيْفَ الْجَوْ فِي طَهْرَانِ؟

۸۶- كَيْمُ السَّاعَةِ الْآنَ؟ ۹۲- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

۸۷- مَا هُوَ لَوْنُ الْمَوْزِ؟ ۹۳- هَلْ تَعَلَّمُ فَائِدَةَ الْمَدْرَسَةِ؟



س ٤ صَغْ هَذِهِ التَّرَاكِبِ وَ الْجُمْلَتَيْنِ فِي مَكَانَيْهَا الْمُنَاسِبِ: (این ترکیب‌ها و دو جمله را در مکان مناسبشان بگذار.)

هَوَلاءِ مُعَلِّمَاتُ / هَاتَانِ الْفَائِزَتَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ / هَذَانِ الدَّلِيْلَانِ / ذَلِكَ التَّلْمِيذُ

- ٩٤- مفرد مذکر: .....  
 ٩٥- مفرد مؤنث: .....  
 ٩٦- مثنی مذکر: .....  
 ٩٧- مثنی مؤنث: .....  
 ٩٨- جمع مؤنث: .....

ن اُكْتُبْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ فِي مَكَانَيْهَا الْمُنَاسِبِ فِي الْجَدْوَلِ وَ ادْكُرْ صِيغَهَا: (این فعل‌ها را در مکان مناسبشان در جدول بنویس و صیغه‌هایشان را ذکر کن.)

كَانَ يَشْرَبُ / لَا تَلْعَبُ / مَا طَرَفَنَ / سَتَهْرَبَانِ / أَفْرَحُ / عَيَّرْنَا / دَخَلْتُمْ / لَا يَعِيشُ / نَصْعَدُ / سَوْفَ يَعْلَمَنَّ / لَا تَطْلُبِينَ / مَا كَتَبْتَ / لَا تَأْكُلُوا / كَانُوا يَذْهَبُونَ

نوع فعل	فعل	صیغه	فعل	صیغه
ماضی	٩٩-		١٠٠-	
ماضی منفی	١٠١-		١٠٢-	
مضارع	١٠٣-		١٠٤-	
مضارع منفی	١٠٥-		١٠٦-	
مضارع نهی	١٠٧-		١٠٨-	
ماضی استمراری	١٠٩-		١١٠-	
مستقبل	١١١-		١١٢-	

س الجوارات: (گفت وگوها)

١. رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبْ سَوَالاً وَ جَوَاباً صَحِيحاً: (کلمات را مرتب کن و سؤال و جواب صحیحی را بنویس.)  
 ١١٣- مَا / اِسْمِي / اِسْمُكَ / حَسْبِي / الْكَرِيمِ . / ؟  
 ١١٤- مَعَ الْاَسْفِ / هَلْ / اِیْرَانِ / لا / اِلَى / سَافَرْتُ . / ؟ / ؟  
 ٢. كَمَّلْ هَذَا الْجَوَابَ: (این گفت وگو را کامل کن.)  
 ١١٥- كَيْفَ حَالُكَ؟ ..... ، وَ كَيْفَ اَنْتَ؟ .....

ع اُرْسِمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ: (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



١١٧- اَلسَّادِسَةُ اِلَّا رُبْعاً.



١١٦- اَلسَّابِعَةُ وَ الرَّبْعُ.

ف اُكْتُبِ السَّاعَةَ: (ساعت را بنویس.)



١١٩-



١١٨-

ص اِقْرَأ النَّصَّ ثُمَّ اُجِبْ عَنِ الْاَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

١٢٠- الْاِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَكِرُ بِخَلْقِ الْعَالَمِ، يَسْأَلُ مِنْ نَفْسِهِ: مَنْ ذَا الَّذِي اَوْجَدَ الشَّمْسَ فِي النَّهَارِ وَ الْقَمَرَ فِي اللَّيْلِ وَ زَانَ اللَّيْلِ بِاَنْجَمِ الْاَلْدَّرِ الْمُنْتَشِرَةِ. فَذَلِكَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي اَنْعَمَ مِنْهُمُ. هُوَ يَنْزِلُ الْمَطَرَ مِنَ الْعَالَمِ وَ يُخْرِجُ الثَّمَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَ يُصَيِّرُ اُورَاقَ الْاَشْجَارِ خَضِرَةً فِي الرَّبِيعِ، وَ يُصَيِّرُ اُورَاقَ الْاَشْجَارِ ذَاتِ الْاَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ فِي فَصْلِ الْخَرِيفِ.

- ١- مَنْ يُخْرِجُ الثَّمَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ؟  
 ٢- مَاذَا يَرَى الْاِنْسَانُ فِي النَّهَارِ؟  
 ٣- مَاذَا شَبِيهُ بِالذَّرِّ؟  
 ٤- مَتَى يَخْتَلِفُ لَوْنُ الْاُورَاقِ؟  
 (١) الْمَاءُ وَ الشَّمْسُ  
 (١) الشَّمْسُ  
 (١) الثَّمَرَةُ  
 (١) فِي الْخَرِيفِ  
 (٢) اللّٰهُ  
 (٢) الْقَمَرُ  
 (٢) النَّجْمُ  
 (٢) فِي الرَّبِيعِ

## پاسخ سوالات امتحانی درس

### اول

۱. چه کسی ابر را پدید می‌آورد و از آن باران را فرو می‌فرستد پس به وسیله آن زمین را سرسبز می‌گرداند؟
۲. دانش‌آموز از معلمش می‌پرسد: چگونه دانه‌ای رشد می‌کند و یک درخت می‌شود؟
۳. خداوند خورشید را در آسمان، برای روشنایی آفرید.
۴. ماه در وسط آسمان بود و ستارگان را دورش (اطرافش) مانند مرواریدهای پخش شده (پراکنده) دیدم.
۵. خداوند همان کسی است که نعمت‌هایش برای همه موجودات بسیار است.
۶. جست‌وجو کن و بگو چه کسی از درخت، میوه را درمی‌آورد؟
۷. من و دوستانم خودمان را برای امتحانات پایانی آماده کردیم.
۸. شاخه‌های درختی که میوه‌ای ندارد را، قطع می‌کنم.
۹. ما باید به خاطر نعمت‌های زیاد در طبیعت شکرگزار باشیم.
۱۰. خورشید در تابستان حرارتش در هر جایی پخش (پراکنده) است.
۱۱. به شب نگاه کن پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟
۱۲. ... و خودتان را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان بود (است) ...
۱۳. در کتاب خواندم که گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش (علم) است.
۱۴. آشنایی زیارت‌کننده با یکی از کارمندان در سالن فرودگاه اتفاق افتاد.
۱۵. خداوند انسان را آفرید و دیده را در او شکافت.
۱۶. ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و نورش از خورشید است.
۱۷. زیارت‌کننده، روز دوشنبه از ایران حرکت کرد و بعد از سه روز به کربلا رسید.
۱۸. دوره درس‌های کلاس هفتم و هشتم و نهم را در درس اول از کتاب دهم انجام می‌دهیم.
۱۹. در فصل تابستان روز طولانی‌تر از شب است.
۲۰. مؤمن برای دنیایش کار می‌کند گویی که او همیشه زندگی می‌کند و برای آخرتش کار می‌کند گویی که فردا می‌میرد.
۲۱. اندیشمند
۲۲. غبارآلودگی، تیره‌رنگی
۲۳. فروزان
۲۴. دارای - تر و تازه
۲۵. کامل
۲۶. شد
۲۷. آن
۲۸. دشمنی - زبان
۲۹. جبال
۳۰. آراضی
۳۱. دلیل
۳۲. ملبس
۳۳. تَمَر = فَاكِهَةٌ (میوه)
۳۴. رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ (مردود ≠ موفق)
۳۵. رَقَدَ = نَامٌ (خوابید)
۳۶. بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ (فروش ≠ خرید)
۳۷. این کیست - ریزان
۳۸. می‌گویید - انجام نمی‌دهید.
۳۹. روزه‌شان - ننگرید.
۴۰. رَحِمَ كُنْ - به تو (تو را) رحم کند.
۴۱. ما را - قرار نده.
۴۲. (میان) آیندگان قرار بده.
۴۳. (۲) دانش‌آموز درس‌هایش را می‌نوشت. (كَانَتْ ... تَكْتُبُ: ماضی استمراری ترجمه می‌شود).
۴۴. (۲) با خانواده‌ام به جنگل رفتیم و گفتند: درختان را قطع نکنید. (ذَهَبْنَا: رفتیم - لَا تَقْطَعُوا: فعل مضارع نهی است).
۴۵. (۲) فرومایگان (الْأَرَادِلُ) - (۲) شایستگان (الْأَفَاضِلُ)
۴۶. (۱) اندکس سود می‌رساند و بسیارش کشنده است. (يَنْفَعُ: سود می‌رساند).
۴۷. (۱) یک در (بَابٍ وَاحِدٍ) - (۲) درِ دَوْمِ آن (بَابِهَا الثَّانِي).
۴۸. (۱) بنگر (أَنْظُرُ) - (۲) ننگر. (لَا تَنْظُرُ)
۴۹. پدید می‌آورد: پدید آورد. (أَوْجَدَ)
۵۰. نگاه کرد: نگاه کن (أَنْظُرُ) - گفت: بگو (قُلْ)
۵۱. سبز: رنگارنگ (الْمَلَوْنَةَ) - تابستان: پاییز (الْحَرِيف)
۵۲. أَحْمَرٌ (سرخ)
۵۳. الدَّرَزُ (مرواریدها)
۵۴. الشَّرَزَةُ (اخگر)
۵۵. السَّحَابُ (ابر)
۵۶. خواهد نوشت.
۵۷. وارد می‌شوید.
۵۸. تغییر دادند.
۵۹. نبوسید.
۶۰. این‌ها دانش‌آموز هستند.
۶۱. این دو دوست
۶۲. آن درخت است.
۶۳. نمی‌خواهم.
۶۴. کشف می‌کنی.
۶۵. ننویس.
۶۶. بالا می‌روند.
۶۷. آن معلمان
۶۸. این‌ها دو برنده هستند.

۶۹. این خانه‌ها  
 ۷۰. «هَم» مناسب فعلِ «يَدورون» است.  
 ۷۱. فعلی «تَقْرؤون» با ضمیرِ «أنتم» تناسب دارد.  
 ۷۲. «أَكْتَبَا»؛ با توجه به دو اسم که مورد خطاب قرار گرفته‌اند و هم‌چنین ضمیرِ متصلی «كما» آمده است.  
 ۷۳. «لا»ی نهی نون اعراب را از آخر فعل مضارع حذف می‌کند: «لا تَقْرَبَا»  
 ۷۴. فعل در جمله بعد از اسم آمده است، بنابراین از «الْتَلْمِذَات» پیروی می‌کند: يَصْرُحْنَ  
 ۷۵. فصل چهارم در سال، همان فصل «الْشَّتَاء» (زمستان) است.  
 ۷۶. «الْعِشَاء» (شام) را در شب می‌خوریم.  
 ۷۷. «هَذِهِ» مناسب اسم مؤنث «مَجَلَّةً» است.  
 ۷۸. فَعَال - فاعل - س ت ر  
 ۷۹. فَعُول - فاعِل - ش ك ر  
 ۸۰. مِفْعَال - فَعَال - ص ب ح  
 ۸۱. أَفْعَال - مَفْعُول - ع م ل  
 ۸۲. تو از کجا هستی؟ أنا مِن طَهْرَان. (أنا طهرانيّ).  
 ۸۳. اذان صبح چه وقت است؟ الرّابِعَةُ وَ النّصْف. (چهار و نیم).  
 ۸۴. آن پسر کیست؟ هُوَ صَدِيقِي. (او دوستم است).  
 ۸۵. ظهر چه می‌خوری؟ الغَدَاء. (ناهار). / الرّزُّ مَعَ مَرَق. (برنج با خورش).  
 ۸۶. الآن ساعت چند است؟ العَاشِرَةُ وَ الرّبْع. (ده و ربع). «شما می‌توانید هر ساعت دیگری را بنویسید.»  
 ۸۷. رنگ موز چیست؟ لَوْنُهُ أَصْفَرُ (الأَصْفَرُ زرد)).  
 ۸۸. با چه چیزی به مشهد مسافرت می‌کنی؟ بِالْحَافِلَةِ (با اتوبوس) - بِالسَّيَّارَةِ (با خودرو) - بِالطَّائِرَةِ (با هواپیما).  
 ۸۹. چند قلم در کیفیت است؟ ثَلَاثَةٌ.  
 ۹۰. این دفتر مال کیست؟ لِعَلِيِّ (مال علی است). / لِصَدِيقِي. (برای دوستم است).  
 ۹۱. هوا در تهران چگونه است؟ مَطِيرٌ. (بارانی است).  
 ۹۲. تو از کدام شهر هستی؟ مِنْ نُور. (از نور). / مِنْ مَدِينَةِ طَهْرَان. (از شهر تهران).  
 ۹۳. آیا فایدهٔ مدرسه را می‌دانی؟ نَعَمْ، أَعْلَمُ. (بله، می‌دانم).  
 ۹۴. ذَلِكَ التَّلْمِذُ (آن دانش‌آموز)  
 ۹۵. تِلْكَ البَطَّارِيَّةُ (آن باطری)  
 ۹۶. هَذَانِ الدَّلِيلَانِ (این دو راهنما)  
 ۹۷. هَاتَانِ الفَائِزَتَانِ (این برندگان، این دو برنده)  
 ۹۸. هُوَلاءِ مُعَلِّمَاتٍ. (این‌ها معلمان هستند).  
 ۹۹. غَيَّرْنَا / متکلم مَع الْغَيْر
۱۰۰. دَخَلْتُمْ / جمع مذکر مخاطب  
 ۱۰۱. مَا طَرَقْنَ / جمع مؤنث غایب  
 ۱۰۲. مَا كَتَبْتَ / مفرد مذکر مخاطب  
 ۱۰۳. أَفْرَحُ / متکلم وحده  
 ۱۰۴. نَصَعْدُ / متکلم مَع الْغَيْر  
 ۱۰۵. لَا يَعِيشُ / مفرد مذکر غایب  
 ۱۰۶. لَا تَطْلُبِينَ / مفرد مؤنث مخاطب  
 ۱۰۷. لَا تَلْعَبُ / مفرد مذکر مخاطب  
 ۱۰۸. لَا تَأْكُلُوا / جمع مذکر مخاطب  
 ۱۰۹. كَانَ يَشْرَبُ / مفرد مذکر غایب  
 ۱۱۰. كَانُوا يَذْهَبُونَ / جمع مذکر غایب  
 ۱۱۱. سَتَهْرَبَانِ / مثنای مذکر مخاطب، مثنای مؤنث مخاطب، مثنای مؤنث غایب  
 ۱۱۲. سَوْفَ يَعْلَمَنَّ / جمع مؤنث غایب  
 ۱۱۳. مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ إِسْمِي حُسَيْنٌ.  
 ۱۱۴. هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ؟ لَا؛ مَعَ الْأَسْف.  
 ۱۱۵. أَنَا بِخَيْرٍ - بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.  
 ۱۱۶.



۱۱۷.  
 ۱۱۸. الثَّلَاثَةُ وَ النّصْفُ.  
 ۱۱۹. الثَّلَايِعَةُ تَمَامًا.  
 ۱۲۰. انسانی که به آفرینش جهان می‌اندیشد، از خودش می‌پرسد: این کیست که خورشید را در روز و ماه را در شب قرار داد و شب را با ستارگانی مانند مرواریدهای پخش‌شده، زینت داد؟ پس آن همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است. او باران را از ابر فرو می‌فرستد و میوه را از درخت درمی‌آورد و برگ‌های درختان را در بهار سبز می‌گرداند و برگ‌های درختان را در فصل پاییز دارای رنگ‌های گوناگون می‌گرداند.  
 ۱) چه کسی میوه را از درخت درمی‌آورد؟ (۲) اللَّهُ  
 ۲) انسان در روز چه چیزی را می‌بیند؟ (۱) الشَّمْسُ  
 ۳) چه چیزی به مروارید شبیه است؟ (۲) النّجْم  
 ۴) چه وقت رنگ برگ‌ها گوناگون می‌شود؟ (۱) فِي الْحَرِيفِ